



شعر جدید فارسی

دکتر محمد اسحاق

ترجمہ: دکتر سیروس شمیا

شعر جدید فارسی

نوشته

دکتر محمد اسحاق

استاد فقید دانشگاه کلکته

ترجمه

دکتر سیروس شمیسا



تهران - ۱۳۷۹

اسحاق، محمد
شعر جدید فارسی / نوشته محمد اسحاق؛ ترجمه سیروس شمیسا. - تهران:
فردوس، ۱۳۷۹.
۲۳۲ ص.
ISBN 964 - 320 - 072 - 8
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
عنوان اصلی:
واژه نامه.
کتابنامه. ص. ۲۱۳؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد. الف. شمیسا، سیروس، ۱۳۲۸ -
ب. عنوان.
۷ ش ۵ الف / PIR ۳۳۴۴
۱۳۷۹
کتابخانه ملی ایران
۸ فا ۱ / ۰۰۹
۲۷۴۵۷ - ۷۸ م



انتشارات فردوس

خیابان دانشگاه - کوچه میترا - شماره ۷ تلفن ۶۴۱۸۸۳۹ - ۶۴۶۹۹۶۵

شعر جدید فارسی

دکتر محمد اسحاق

ترجمه دکتر سیروس شمیسا

چاپ اول: تهران - ۱۳۷۹

تیراژ: ۲۲۵۰ نسخه

لیتوگرافی: لادن

چاپخانه رامین

همه حقوق محفوظ است.

شابک ۹۶۴ - ۳۲۰ - ۰۷۲ - ۸ ISBN 964 - 320 - 072 - 8

۱۲۰۰ تومان

فهرست

۷	پیشگفتار.....
۱۱	مقدمه مترجم.....
۱۸	خطابه استاد حبیب یغمایی.....
۲۵	تقریظ.....
۳۱	مقدمه مؤلف.....
۳۶	اختصارات.....

فصل اول: پیدایی

۳۷	پیدایی شعر جدید.....
۳۷	شعر از انقلاب عمومی اجتماعی متابعت می‌کند.....
۳۹	دوره کوتاه اما خلاق.....
۴۰	چاووش عصر جدید.....
۴۱	صورت و معنی شعر جدید.....
۴۱	طبقه‌بندی شاعران.....

فصل دوم: شاعران

۴۳	معرفی شاعران.....
۴۳	الف) شاعران بر طبق تقدّم زمانی.....
۵۰	ب) شاعران بر حسب تقسیم جغرافیایی.....
۵۲	مشخصات آنان.....

فصل سوم: زبان

۸۱	تغییر در زبان.....
۸۲	ا) نهضت سره‌نویسان.....
۸۲	نفوذ لغات و اصطلاحات عربی.....

۸۲		آغاز نهضت سره‌نویسان
۸۲		سره‌نویسی در اشعار حماسی
۸۴		محافظت لغات فارسی
۸۴		سره‌نویسی در آثار تاریخی
۸۵		نهضت سره‌نویسی در دوره قاجار
۸۶		نهضت سره‌نویسان در عصر جدید
۹۰		ب) لغات دخیل فرنگی
۹۰		نفوذ لغات و عبارات فرنگی
۹۰		راه‌های نفوذ زبان‌های مختلف
۹۵		شاعرانی که به این تأثیر کمک کرده‌اند
۱۰۳		ج) استعمال اصطلاحات محاوره‌یی
۱۰۳		اصطلاحات محاوره‌یی که مورد غفلت قرار گرفته بودند
۱۰۴		رشته‌های مختلف ادبیات در مقام ناقل زبان محاوره
۱۰۴		نمایشنامه
۱۰۵		داستان
۱۰۶		روزنامه‌ها و گاهنامه‌ها
۱۰۷		شعر
۱۱۰		حفظ فرهنگ عامه
۱۱۱		تصمیم وزارت فرهنگ
۱۱۲		سهم گرامافون

فصل چهارم: بحور

۱۱۷		ابیات موزون در اوستا
۱۱۸		نبود شعر در دوره هخامنشیان بعید به نظر می‌رسد
۱۱۸		وجود شعر در دوره ساسانی
۱۲۰		اوزان عربی را گرفتند و در آن دخل و تصرف کردند
۱۲۱		نامگذاری جدیدی که آیتی پیشنهاد کرد
۱۲۴		شعر فارسی بر پایه اوتاد مجموع
۱۲۵		کوشش برای احیای نظام هجایی

فصل پنجم: قوالب شعری

- تقسیم‌بندی سنتی ۱۳۳
- انتقاد ۱۳۳
- قوالب شعری که بر طبق طرح قافیه‌یی دسته‌بندی شده‌اند ۱۳۴
- رشد و توسعه ۱۳۵
- ۱) قوالب جدید شعری که اساس آن‌ها ایرانی است ۱۳۹
- پیشقدمی عشقی ۱۳۹
- پنجگانه و ششگانه ۱۴۱
- ثلاثی ۱۴۲
- ب) قوالب جدید که تحت تأثیر ادبیات اروپایی به وجود آمده است ۱۴۲
- شاعرانی که تحت تأثیر قوالب اروپایی بوده‌اند ۱۴۳
- دوره تکامل ۱۴۳

فصل ششم: مضامین

- کوشش تازه و تغییر در مضامین ۱۵۳
- تقسیم‌بندی مضامین جدید ۱۵۴
- مضامین برحسب زمان ۱۵۵
- ۱- قیام علیه مضامین کلیشه‌یی و فرسوده ۱۵۶
- ۲- شعر، بازتاب مراحل انقلاب سیاسی ۱۵۸
- شاعران به حوادث مملکت خویش علاقه‌مند می‌شوند ۱۵۸
- حکومت استبدادی قاجار ۱۵۸
- بعد از قتل ناصرالدین شاه ۱۵۹
- بعد از مرگ مظفرالدین شاه ۱۶۱
- بعد از تاجگذاری احمدشاه ۱۶۵
- ظهور رضاشاه ۱۷۰
- ۳- عقیده وحدت اسلامی ۱۷۲
- ۴- عقاید سوسیالیستی ۱۷۴
- ۵- تجدید مجد و عظمت گذشته ۱۷۷
- ۶- تجلیل زردشت و دین او ۱۷۹
- ۷- میهن‌پرستی ۱۸۱

- ۱۸۳ ۸- زن در شعر جدید فارسی
- ۱۸۴ موقعیت تغییر یافته زن
- ۱۸۶ سهم زن در نوزایی ملی
- ۱۸۸ ۹- چندهم سری
- ۱۸۹ ۱۰- پیچه
- ۱۹۱ ۱۱- سرعت و حمل و نقل

فصل هفتم: نتیجه

- ۱۹۷ پایان کهن‌گرایی و آخرین نفسش
- ۱۹۸ آغاز دیررس شعر جدید فارسی
- ۱۹۸ عوامل تأخیر و نتایج آن
- ۱۹۹ مشخصات شعر جدید فارسی
- ۲۰۱ کمبودهای شعر جدید
- ۲۰۲ خواست شعر سپید
- ۲۰۳ ترانه فجر
- ۲۰۳ رسالت شعر
- ۲۰۴ پیام شعر جدید
- ۲۰۶ عشق، قهرمان‌گرایی و حسن تأثیر در اشعار سیاسی و وطنی
- ۲۰۷ ذوق مطایبه و شوخی
- ۲۰۸ بدله
- ۲۰۹ تصنیف و سرود
- ۲۰۹ شاعران جدید در مقایسه با استادان قدیم
- ۲۰۹ کتابنامه
- ۲۱۳ فهرست مطبوعات
- ۲۲۱ واژه‌نامه
- ۲۲۳ فهرست اعلام
- ۲۲۵

۱۵۴۸

پیشگفتار

این کتاب را که حدود شصت سال پیش (حدود ۱۳۲۰ شمسی) نوشته شده است، حدود سی سال پیش در دوران دانشجویی ترجمه کردم. هر چند اهمیت آن به لحاظ تاریخچه ادبیات معاصر و تحقیق در تاریخ ادبیات اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی بر من معلوم بود، اما با توجه به تبوتاب آن زمان جریانات نوین ادبی، به مقتضای دوران جوانی، مطالب آن را جدی نمی‌گرفتم و در چشمم سبک می‌نمود. لذا جز یک بار برای چاپ آن اقدام نکردم که آن هم به ثمر نرسید. داستان این است که در هر دوره‌ای چاپ کتاب با مشکلاتی روبرو بوده است. در دوره ناصری بحث از باب و بایبگری و آوردن اسم امیرکبیر ممنوع بود. در زمانی که کتاب را ترجمه می‌کردم بحث از کمونیسم و آوردن اسامی شاعرانی چون فرخی و لاهوتی و اشاره به استبداد رضاشاهی جرم بود و هم‌چنین در سال‌های بعد مطالب دیگر و هَلُم جَرّاً. چنان‌که ملک‌الشعراء بهار در قصیده‌یی که به سال ۱۳۱۲ شمسی در زندان سروده است گوید:

آن چه در دوره ناصری	مرد و زن کشته شد سرسری
آن به عنوان لامذهبی	این به عنوان بایبگری
آن به عنوان جمهوریت	این به عنوان دانشوری
شد ز نو تازه در عهد ما	آن جنایات و کین‌گستری
دوره پهلوی تازه کرد	عادت دوره ناصری

نام مردم نهد بلشویک این زمان دشمن مفتری
آخر نام هر کس که بود کاف، کافی بود داوری
بلشویک است و یار لنین خصم سرمایه و قلدری...

البته اکنون در ویرایش و پیرایش مطالب بحث‌انگیز تجاری دارم و مهارتی یافته‌ام که در طرفه‌العینی حلّ معما می‌کنم و در آن زمان نداشتم. لذا عمده‌ی به دو دلیل فوق این کتاب تاکنون به چاپ نرسید.

نویسنده کتاب دکتر محمد اسحاق - که در صفحات بعد با شمه‌یی از احوال او به قلم شادروان حبیب یغمایی آشنا می‌شوید - مردی محقق و متبّع و آشنا با ادبیات فارسی و عربی و انگلیسی و اردو بوده است. پس از چند سفر مطالعاتی به ایران و آشنایی نزدیک با دست‌اندرکاران ادبیات آن دوره، به انگلستان رفت و از دانشگاه لندن دکتری ادبیات فارسی گرفت و این کتاب رساله‌ی دکتری او بوده است؛ لذا به لحاظ اسلوب تحقیق و دادن سند و تکیه بر مآخذ مبتنی بر روش‌های دانشگاهی است.

اکنون نظیر دکتر اسحاق در شبه‌قاره نیستند. باری یکی از هزاران نقشی که زمانه گاه‌گاه برمی‌آورد و هیچگاه در آئینه‌ی تصوّر مردمان نیست به نظر رسیده است که بد نیست اشاره‌یی کنم و بگذرم: انگلیسی‌ها فارسی را از شبه‌قاره بیرون راندند و انگلیسی را جایگزین آن کردند، سپس عاشقان سرسخت ادبیات فارسی چون اسحاق را به کشور خود بردند و جواز اجتهاد در زبان و ادب فارسی دادند.

گر نگهدار من آن است که من می‌دانم شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد
در آن زمان شاید هنوز دکتری ادبیات فارسی در خود ایران معمول نبود. استادانی چون معین، خانلری، صفاء، خطیبی که اولین دانشجویان دوره‌ی دکتریند مقارن چاپ این کتاب فارغ‌التحصیل شدند.

اما چند کلمه در مورد این کتاب و این ترجمه: مقدمه و تعلیقات (جز در چند مورد) و نشر ترجمه همان است که بود، چون رهسپار سفری هستم فرصت کافی برای تغییرات

کلی نداشتیم، و فقط به اصلاح چند مورد جزئی بسنده کردم. ترجمه کار ظریفی است که محتاج به ممارست در طول زمان است. در آن زمان به تقلید از ساختار جمله انگلیسی که غالباً مبتنی بر فعل مجهول است چنین ترجمه می‌کردم: «این شعر توسط (یا به وسیله) یحیی دولت‌آبادی سروده شد» حال آن‌که در ساختار جملات فارسی فعل مجهول مرسوم نیست و لذا باید گفت: «یحیی دولت‌آبادی این شعر را سرود یا این شعر را یحیی دولت‌آبادی سرود». این‌گونه موارد را تا جایی که فرصت بود و جستم اصلاح کردم. به هر حال طبیعی است که اگر قرار بود این کتاب را امروز ترجمه کنم به فارسی بهتری می‌نوشتیم و سلیقه‌های امروزم را اعمال می‌کردم.

این کتاب با همه نواقصش کتاب مفید و مغتنمی است. بین هر دو سبک، یک دوره حد واسط است. شعر عهد مشروطه و طیفش در اوایل دوره پهلوی، حد واسط بین سبک نو و دوره بازگشت است که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده هر چند ظهور سبک جدید واقعی را حس کرده است اما در این زمینه کنجکاو نبوده است. از مقاله استاد یغمایی می‌توان استنباط کرد که حشرونشر او با گروهی بوده است که مسلماً در ذهنیت نویسنده تأثیر داشته‌اند و مانع رهیافت درست او شده‌اند. لذا به امثال شمس کسمایی و تقی رفعت نپرداخته و از نیما به سرعت رد شده است. حتی به شاعران متوسط بیشتر از بزرگانی چون بهار التفات داشته و این می‌رساند که با آنان بیشتر محشور و با آثارشان مأنوس بوده است اما به‌طور کلی به همه شاعران معروف دوره خود عنایت دارد، لذا این کتاب برای کسانی که در تاریخ ادبیات این دوره کار می‌کنند مهم است (چنان‌که یکی از منابع کتاب ارزشمند از صبا تا نیما بوده است). برخی از مباحث او چون سرهنویسی، لغات دخیل فرنگی، تاریخچه اشعار سوسیالیستی، نهضت اتحاد اسلام، قوالب جدید شعری (مثلاً اول کسی که چهارپاره سرود جعفر خامنه‌یی تبریزی است) و غیره همه در جای خود حائز اهمیت است. منابع و مآخذی هم که به دست می‌دهد جالب است زیرا امروزه چندان در دسترس و آشنا نیستند. طبیعی است که بحث اصلی نویسنده

شعر است و لذا در بحث از داستان و نمایشنامه فقط به اشاره‌هایی بسنده کرده است. نکته‌یی که خواننده باید توجه داشته باشد این است که اسحاق وضع موجود و مواد ادبی دوره خود را بررسی کرده است و اگر آن مواد - مثلاً اشعار ضعیف - امروزه برای ما چندان وزنی ندارند گناه مؤلف نیست.

ادبیات دوره مورد بحث ادبیات متعهد یا مفید یا معنی‌گراست و از این حیث قابل توجه است و این نوع هیجگاه به این نحو و تا این حجم و اندازه در ادبیات فارسی سابقه نداشته است، اما به طور کلی به لحاظ فرم مثلاً زبان ضعیف است. همه این مطالب باید روزی به تفصیل در کتب تاریخ ادبیات ما مطرح شوند و این کتاب برای این هدف، مرجعی مفید است.

و اما نکته آخر این که بسیاری از شاعرانی که اسمشان در این کتاب آمده، در زمان تألیف کتاب از جوانان کم سن و سال بودند. چند تنی از آنان تا چند سال پیش هم زنده بودند اما اکنون همه در گذشته‌اند. آخرین آنان رحمدی آذرخشی بود که امسال درگذشت (رحمة الله علیهم اجمعین) و بدین ترتیب پرونده یک دوره از تاریخ ادبیات ما بسته شد.

سیروس شمیسا

بهمن ۷۸

مقدمه مترجم

حدود شش سال پیش که در دانشگاه شیراز (پهلوی سابق) به تحصیل مشغول بودم و در ضمن مأموریت تنظیم قسمتی از کتب اهدایی پرفسور پوپ را به آن دانشگاه داشتم، کتاب حاضر را در منزل آن مرحوم دیدم و آن را از دکتر فیلیس اکerman زوجه پرفسور مذکور گرفتم. از همان زمان با ولع خاصی به مطالعه آن مشغول شده و در ضمن به ترجمه فصولی از آن اقدام کردم. در سال ۱۳۵۲ این ترجمه تمام شد. مشخصات کتاب چنین است:

Modern Persian Poetry

by

M. ISHAQUE, B.SC, M.A., PH.D. (Lond.)¹

calcutta

1943²

مؤلف کتاب را با این بیت سعدی:

زن خوب و فرمانبر و پارسا کند مرد درویش را پادشا
به همسر خود تقدیم کرده است.

1- Lecturer In Arabic & Persian and Islamic History & culture In The Post-Graduate Department, university of calcutta

2. در ص ۴۸۲ جلد دوم از صبا تا نیما علاوه بر چاپ ۱۹۴۳ اشاره به چاپ ۱۹۵۰ هم شده است که من آن را ندیده‌ام.

ارزش و محاسن این کتاب

۱- این کتاب تا حدی روشنگر ظلمت ادبی فیما بین صدر مشروطیت و آغاز نهضت شعر نو به معنی مصطلح امروزی است.

چنان که می‌دانیم احوال و آثار ادبای این دوره چندان روشن نیست. برای محقق که می‌خواهد تاریخ ادبی ایران را از آغاز مشروطیت به بعد بنویسد این کتاب در قسمت شعر فایده بزرگی خواهد داشت (در قسمت نثر: داستان و نمایشنامه و روزنامه‌نگاری کار تا حدی مشکل‌تر است)

۲- روش مؤلف علمی است و هر چند به جزئیات نپرداخته، کلیات را خوب عنوان کرده است. فصولی را که مطرح کرده با همین سرمشق قابل بسط است.

۳- شامل فهرست‌های ارزشمندی از قبیل فهرست لغات دخیل از زبان‌های اروپایی، فهرست لغت‌های عامیانه و غیره است.

۴- در قسمت وزن و شکل شعر مطالب جدیدی را عنوان کرده است.

۵- مشتمل بر اسامی کتب و مجلاتی است که در دوره مورد بحث چاپ شده و امروزه بعیدالعهد شده‌اند.

معایب کتاب

۱- کتاب نسبت به موضوع مختصر است و با این که فقط در زمینه شعر آن هم در زمان کوتاهی بحث می‌کند (تقریباً از اوایل مشروطیت تا اواخر سلطنت رضاشاه) نتوانسته است تمام جریانات شعری عصر و احوال شاعران دست‌اندرکار را منعکس کند. مثلاً با این که از شعرایی نظیر پژمان بختیاری نام می‌برد از امیری فیروزکوهی متولد ۱۲۸۹ شمسی اسمی نمی‌آورد، یا از صابر همدانی که در روز عید فطر ۱۳۷۵ قمری درگذشت نشانی نمی‌بینیم. البته شاعرانی هم از قبیل ژاله بختیاری مادر پژمان بختیاری که اشعار استادانه‌یی دارد در روزگار او شناخته نشده بودند.

در زمینه موضوع، از موضوعاتی از قبیل پورنوگرافی (مثلاً اشعار مستهجن دیوان ایرج و امثالهم) که در آن زمان شیوع داشته است می‌گذرد.

۲- در اظهار بعضی از نظریات و ثبت ولادت و وفات شاعران، بعضاً اشتباهاتی دیده می‌شود که در توضیحات مترجم اصلاح شده است (اعداد داخل پرانتز مربوط به توضیحات مترجم است که در آخر هر فصل آمده است. اما زیرنویس صفحات مربوط به نویسنده است).

۳- اسحاق در ژورنالیسم عصر خود غرق بود، لذا اسم افراد کم‌اهمیتی را که در روزنامه‌های آن عصر مطرح بودند وارد کتاب خود کرده است و عقاید و اشعار آنان را مورد بحث قرار داده است.

شاعرانی امثال فرات که می‌گفتند:

دم از عشق و اسرار آن تا به کی در این عشق‌ها هیچ اسرار نیست
رخ و زلف را روز و شب تا به کی کنی وصف، حاجت به تکرار نیست

رک ص ۱۵۶ همین کتاب

کارشان عمری دراز سخن گفتن از همین عشق‌ها و وصف رخ‌ها و زلف‌ها بوده است. هر که می‌خواهد به آثار ایشان بنگرد.^۱

همین استغراق در ژورنالیسم آن روزگار تهران بوده است که اسحاق را از شاعران شهرستانی غافل نگاه داشته است، بلیه‌یی که گریبانگیر اکثر محققان این دوره از

۱. مثلاً در شماره چهارم دوره پنجم (سال پنجم، تیر ۱۳۴۲) «هدیه انجمن ادبی صائب» غزلی از عباس فرات است که چنین شروع می‌شود:

جان من جور و جفا بر من دلداده مکن این همه ناز بدین حسن خداداده مکن
منم افتاده به راه غمت ای سرو سهی تویی آزاد همی جور به افتاده مکن

الی آخر، ص ۲۹

ادبیات است.^۱

و باز همین توغل در ژورنالیسم روز بوده است که او را از بحث‌های اساسی بی از قبیل مباحثات شعری بی که بین بهار و تقی رفعت درگرفته بود و سخن از چگونگی تحول شعر می‌رفت به دور نگاه داشته است.^۲

۱. من در این زمینه دو تن از شاعران گیلان را نام می‌برم. افراشته شاعر سوسیالیست معروف، روضه‌خوانی به نام «مداح رشتی» که کور بود اشعار تندى در انتقاد از اوضاع عصر خود دارد (دوران مشروطیت). من در کودکی چند جزوه چاپ شده از او دیده‌ام، ابیات و مصاریعی را که از یکی از جزوات به یاد دارم نقل می‌کنم:

امروز در این ملک که ایران تباه است معلوم نکردیم که میر است که شاه است

خود معنی مشروطه مگر با وکلا بود

والله که درد دلم از حب وطن بود همسایه نگوید که فلان نکته به من بود

مرا نه تو من گر به تاراج رفت چنین است کز ملتى تاج رفت

(در تهدید دولت انگلیس، وقتی که خانه‌اش مورد هجوم واقع شده بود)

۲. نگاه کنید به مجله دانشکده که زیر نظر بهار چاپ می‌شد. و یا «بهار و ادب فارسی» مجموعه مقالات بهار که به کوشش محمد گلین (شرکت کتاب‌های جیبی) چاپ شده است. و نیز نگاه کنید به از صبا تا نیما ج ۲ ص ۳۳۳ و ص ۴۳۶ به بعد

تقی رفعت سردبیر روزنامه تجدد تبریز که در سن ۳۱ سالگی خودکشی کرد (و زندگی او از هر لحاظ قابل بررسی است) مباحثات تند و شیرینی با بهار مبنی بر لزوم نوآوری در شعر داشته است. بهار هم در مجله دانشکده «به اعتراضات نوجویان و نوپردازان افراطی پاسخ» می‌گفت.

(از صبا تا نیما ج ۲، ص ۳۳۲)

علاوه بر این سرمد هم با بهار در این مورد بحث‌هایی داشته است (رک: دیوان بهار). سرمد منظوماً به بهار می‌گوید باید در شعر نوآوری کرد و بهار جواب می‌دهد که من مدتی است این کار را می‌کنم و: دفتر و دیوان گواست!

۴- با این که از مطاوی کتاب معلوم می شود که اسحاق دارای فکری باز و ذهنی متجدد بوده است، اما نتوانست پی آمد انقلاب نیما یوشیج را تشخیص داده و در این باره پیش بینی کند. او بسیار کوتاه از «نیمای مازندرانی» می گذرد. جملاتی از او در کتاب است که می رساند او در انتظار چنین انقلاب و چنین شخص انقلابی بی بوده است اما نتوانست از عهده تشخیص شخص مقصود و تبیین کار او بر آید.

این نقص در مورد چندین شاعر دیگر (از قبیل عشقی - عارف - اشرف فروزینی - ایرج - بهار و غیره) نیز صادق است که اسحاق اشاره مهمی درباره اهمیت آنان نسبت به خیل سیاهی لشکر شاعران دیگر نکرده است.

با این همه خواننده منصف از زحمات بسیاری که مؤلف در گردآوری این مطالب کشیده و در نتیجه خدمت بزرگی که به تاریخ ادبیات ایران کرده است نمی تواند غافل بماند.

ادبیات عصر قاجاریه بسیار مهم و درخشان است به طوری که کمتر دوره یی از اعصار ادبی ایران با این زمان قابل مقایسه است. چون تاریخ عصر قاجاریه از لحاظ بی کفایتی سیاسی پادشاهان قاجار مورد تنفر مردم قرار گرفت، جنبه های دیگر آن هم تحت الشعاع قرار گرفت. بدین ترتیب ادبیات درخشان این عصر ناشناخته ماند. در این باره کمتر کار جدی یی نمی شناسیم. کتاب از صبا تا نیما در این میان استثنا و کار بسیار ارزنده یی است اما متأسفانه نسبت به موضوع مخصوصاً از حیث ادبی بسیار مختصر است. کتابی هم به نام «سبک شعر دوره قاجاریه» منتشر شده که فقط نام آن جالب است! لذا هر نوع تحقیقی در این زمینه - از جمله کتاب حاضر که بحث را به دوره پهلوی هم کشیده است - مغتنم است.

→ ایرج هم گاهی وارد مناظرات می شد. در مثنوی «انقلاب ادبی» می گوید:

می کنم قافیه ها را پس و پیش تا شوم نابغه دوره خویش!

به هر تقدیر این موضوع از مباحثات حاد آن عصر بوده است.

بحثی در شعر این دوره

شاعران اصیل این دوره را به طور کلی به سه دسته می توان تقسیم کرد: یک دسته شاعران استاد کلاسیک هستند نظیر ادیب پیشاوری، ادیب نیشابوری، دانش تهرانی (ضیاء لشکر)، پروین اعتصامی و غیره که از لحاظ زبان فارسی و اسلوب شاعری کهن قابل بررسی بوده و به این دوره اهمیت خاصی می دهند؛ این شاعران کمتر به امور سیاسی پرداختند.

دسته دیگر شاعرانی هستند که در گیرودار امور سیاسی بودند مانند عشقی، عارف، اشرف و غیره. اینان در شکل شعر از دسته قبلی نوآورتر بودند. این گروه چندان توانایی در شکل و زبان از خود نشان ندادند و به مقتضای کار و درآویختگی شدید به مسائل روز، کارشان بیشتر مربوط به معنا و مضمون شعر بوده است. این دسته حائز کمال اهمیت اند.

بالاخره از میان این دو دسته چند تن معدود از قبیل بهار و ادیب الممالک فراهانی و ایرج توانستند هم به لحاظ صورت و هم معنی، به سطح قابل قبولی برسند. در این میان یک جریان اصیل و پنهان ادبی در حال رشد بود. سرانجام نیما از برخورد اندیشه ها و آراء و از لابلای آزمایش های مختلف شعری توانست نهضت حقیقی ادبی ایران را شکل داده و رهبری و راهنمایی کند.

اما خیل سیاهی لشکر که قسمت اعظم این کتاب مربوط به آنان است نه هدفی داشتند و نه مهارتی. به لحاظ فرم ضعیف بودند و به لحاظ معنی بی جهت و پریشان. در واقع بی ریشه و سطحی بوده و به تجربه عمیقی در ادبیات و اندیشه نرسیده بودند. مثلاً تعریف کردن فرخ خراسانی از زردشت^۱ همان قدر مضحک و سطحی است که

۱. به ستایش کودکانه این شعر دقت کنید:

زردشت که نور را خدا می دانست

ز آتش همه چیز را به پا می دانست

تمجید حبیب یغمایی از کمونیسم.^۱

اما به هر تقدیر دوره مورد بحث را باید مجموعاً در نظر گرفت. مجموع همین شاعران اصیل و غیراصیل بودند که با آن همه هیاهو برای تغییر وزن شعر، شکل شعر، معنی شعر و غیره توانستند اوضاع را مساعد ظهور نهضت شعری امروز ایران نمایند. در زمینه معنی، به طور کلی در اجتماع عصر خود تأثیر فراوانی گذاشتند و در زمینه شکل، شعر را مستعد تحول به اشکال نیمایی ساختند.

به طور کلی شعر این دوره را باید شعر مفید (utilitarian poetry) خواند یعنی شعری که برای سودمند بودن ارزش بیشتری قائل است تا هنری بودن، یعنی بنا به اصطلاح مشهور شعر را در خدمت اجتماع می خواستند.

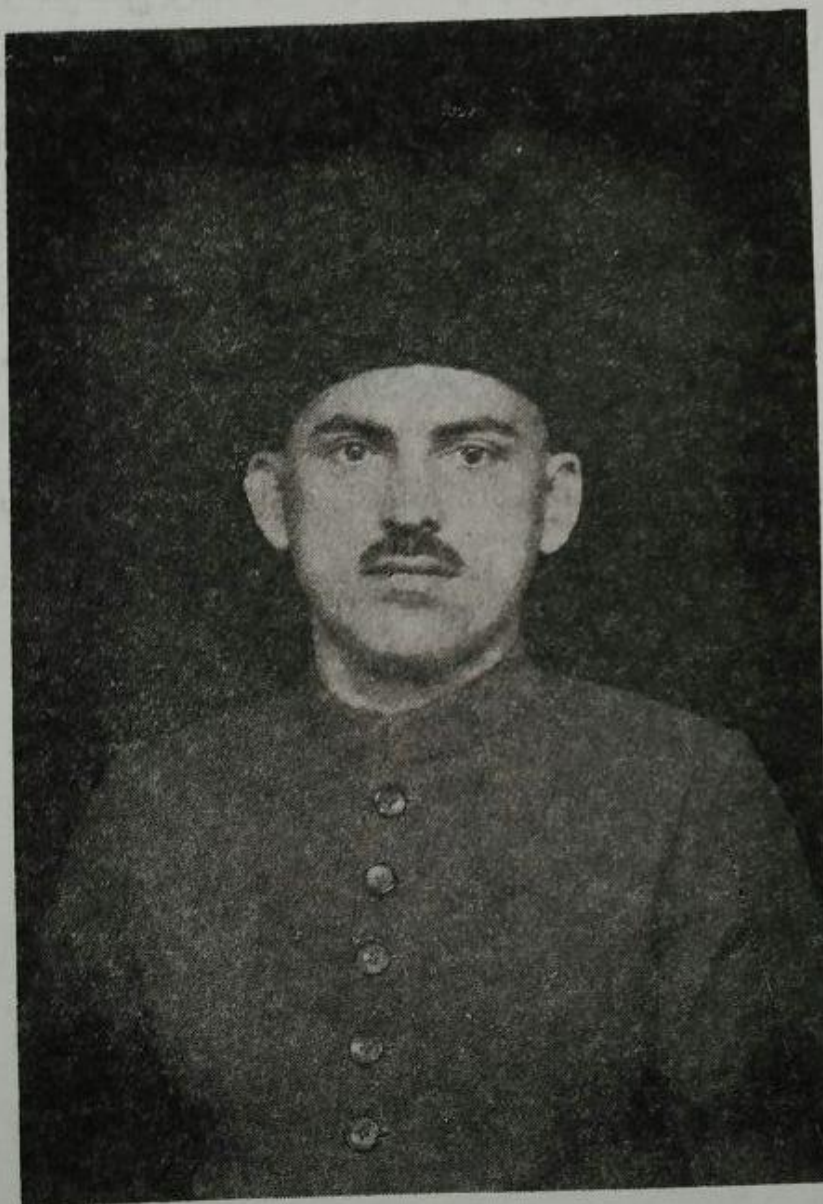
برای آگاهی از شرح حال مؤلف دانشمند کتاب، خطابه‌یی را که استاد یغمایی به مناسبت وفات ایشان ایراد کرده است، در اینجا نقل می‌کنیم.

سیروس شمیسا

تهران، ۱۳۵۳/۴/۲۸

یادی از پروفیسور محمد اسحاق هندی

مؤسس بزم ایران در کلکته *



* خطابه‌یی است که در حدود ده سال پیش در دانشگاه ایراد شده با حضور عموم استادان و عده‌یی از مستشرقان و هندی‌های مقیم طهران. به مناسبت وفات پروفیسور محمد اسحاق.

حبیب یغنایی

یغما، شماره ۳۰۷، فروردین ماه ۱۳۵۳

در سال ۱۳۱۰ مرحوم اعتمادالدوله وزیر معارف وقت، روزی بنده را احضار فرمود و دستور داد به جوانی هندی که در کنارش نشسته بود فارسی درس بدهم. این شخص دکتر محمد اسحاق معلم فارسی دانشگاه کلکته بود.

پس از چند روزی آمیزش و مذاکره دریافتم که محمد اسحاق در زبان و ادبیات فارسی از بنده قوی‌تر است: خدمت مرحوم اعتمادالدوله رفتم و این موضوع را به عرض رساندم و استدعا کردم دیگری را به این خدمت بگمارد. اما دکتر محمد اسحاق نپذیرفت که جز بنده دیگری در خدمتش باشد.

تصور می‌کنم توقف دکتر محمد اسحاق در طهران دو سه ماه مدت گرفت و در این دو سه ماه بیشتر ساعات شبانروز با هم بودیم. در گذر مستوفی منزلی بسیار محقر استیجاری داشتم. انس و معاشرت ما به حدی بود که فرزندان دو سه ساله بنده و همسایگان او را یکی از افراد و اعضاء خانواده‌مان می‌دانستند.

دکتر محمد اسحاق مسلمانی پاک‌اعتقاد و سنی متعصب بود اما هیچگاه در این مبحث وارد نمی‌شدیم.

یکی دو ماه که از دوستی ما گذشت به مناسبت ارتباط و شدوآمد بنده با شاعران و دوستان و بزرگان ادب، دکتر محمد اسحاق تصمیم گرفت کتابی درباره شعرای عصر حاضر بنویسد و از بنده استمداد کرد. بنده با این شرط موافقت کردم که در این کتاب نامی از من نبرد و مرا در زمره شاعران به‌شمار نیاورد، چون بی‌هیچ‌گونه خفض جناح

بنده خود را شاعر نمی دانستم و نمی دانم و او هم پذیرفت، اما مناسب است در همین جا عرض کنم که بعدها به این پیمان رفتار نکرد، بدین علت که در همان زمان استاد محترم پژمان بختیاری کتابی تألیف کرده بود به نام گل های ادب که ظاهراً تاکنون چندین بار چاپ شده، و چون در آن مجموعه قطعاتی و ابیاتی از بنده نیز انتخاب شده بود دکتر محمد اسحاق بدین عنوان که «اگر شاعر نیستی چرا اشعارت را انتخاب کرده اند» عهد خود را شکست.

* * *

در تهیه مندرجات این کتاب صرف وقت بسیار شد. هر روز و هر شب در محضر بزرگان ادب بودیم و شرح احوال و اشعار آنان را می گرفتیم - پریروز در ضمن کاغذپاره ها از مرحوم وحید دستگردی و مرحوم سعید نفیسی و مرحوم شمس العلما قریب، مرحوم تقی دانش ضیاء لشکر، نامه هایی در این باب دیدم که شاید در مجله یغما گراور آن را ملاحظه فرمایند. این چند تن نه، ولی بسیاری از شاعران چندان از خود تمجید و تحسین کرده اند و آثار خود را ستوده اند که موجب شگفتی است.

باری، بسیاری از مواد کتاب را در طهران فراهم آوردیم و چند نفر هم شرح احوال و آثار خود را مستقیماً به کلکته فرستادند، و این کتاب در سه مجلد با کاغذ و چاپ بسیار عالی و تصاویر مرغوب و اطلاعات دقیق که بیشتر این اطلاعات را خود دکتر محمد اسحاق از این سوی و از آن سوی فراهم آورده بود تدوین شد.

دکتر محمد اسحاق نمونه های چاپی کتاب را به طهران می فرستاد، در یکی دو مورد هم مجبور به تجدید چاپ فرم ها شد. پس از پایان جلد اول از حضور مرحوم محمدعلی فروغی اعلی الله مقامه درخواست کردم - و این آغاز آشنایی ما بود که به دوستی و معاشرت ممتد و بی انقطاع منجر شد. که مقدمه یی بر کتاب بنویسند و آن جناب هم نوشت.

* * *

تذکره «سخنوران ایران در عصر حاضر» با معایی که دارد باز از بهترین و معتبرترین تذکره‌هاست. زیرا شرح احوال و اشعار نوشته خود شاعر است که پس از تهذیب و تلخیص به چاپ رسیده. این کتاب گویا در سه مجلد است و بهای هر مجلد به انصاف در حدود پنجاه تومان است که متأسفانه بنده ندارم و شاید در کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس شوری باشد.

عرض کردم که اقامت دکتر محمد اسحاق در آن سال در ایران سه چهار ماه طول کشید و با هوش و استعدادی که داشت نهایت استفادت معنوی را از این مسافرت برد که با همه بزرگان و رجال ادب آشنا و دوست شد و زبان مکالمه‌یی و ادبی فارسی را به‌خوبی فراگرفت.

چه زیان دارد حاضران که بیشتر از سروران و دوستانم هستند بدانند، که در ازای خدمت تدریس و همکاری با دکتر محمد اسحاق در حدود یک هزار تومان از آن مرحوم بهره یافتم و با این مبلغ منزلی بسیار کوچک در کوچه آبشار خیابان ری خریدم و سال‌ها در آن زیستم به این معنی که خدمت پانزده ساله من در معارف ایران به‌اندازه سه چهار ماه خدمت به یک دانشمند هندی ارزش و اثر نداشت. به قول حکیم نظامی:

این سخن اینجا بدار که متممی نیز دارد.

می‌دانیم جشن هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳ برگزار شد. یکی از مدعوین مرحوم دکتر محمد اسحاق بود و چون در این هنگام متأهل شده بود خانمش نیز همراهش بود. در همان خانه محقر که بهایش را خود پرداخته بود از او پذیرایی کردم و تا مدتی که در طهران بود شب و روز با هم بودیم که:

دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد ابری که در بیابان بر تشنه‌یی ببارد

خطابه‌یی که در این جشن ایراد کرده در کتاب هزاره فردوسی مندرج است با تصویرها و تفصیل‌ها...

می‌دانیم در موقع تشکیل جشن هزاره فردوسی جناب آقای علی اصغر حکمت وزیر معارف بود. دوستی حکمت و دکتر محمد اسحاق از این زمان آغاز شد و در سالی که جناب حکمت به سفارت هندوستان رفت دوستی‌شان استواری و استحکام تمام یافت، و ظاهراً جناب حکمت از مؤسسه او و مجله او حمایت تمام می‌فرموده است. پس از سال ۱۳۱۲ پروفیسور محمد اسحاق از هند به لندن رفت، و دو سه سال در آنجا ماند و به مقام دکتری ارتقاء یافت. با بزرگان شرق شناس هم در لندن آشنایی و دوستی و معاشرت داشته است.

آخرین سفر پروفیسور محمد اسحاق به ایران در شهریور ۱۳۳۵ بود برای شرکت در کنگره جهانی ایران شناسان.

در این سفر هم نخستین ساعت ورود به منزل بنده آمد و درویشانه از او ملاقات و پذیرایی شد. بیش از آن چه تصور می‌رفت آثار پیری و فرسودگی از چهره‌اش آشکارا بود.

(متمم جمله معترضه).

مبلغی روپیه با خود داشت که وقتی به بازار برای تسعیر آن رفتیم بسیار ارزان خواستند خریدن. ناراحت بود که پول به قدر کافی ندارد، که دولت هند بیرون شدن روپیه را از کشور اجازه نمی‌داد. برای رفع نگرانی و تشویش او به او گفتم: من اکنون آن معلم فقیر بی‌نوای سابق نیستم «فلان انبارم به هندوستان است و فلان بضاعت به ترکستان، این قبالة فلان زمین است و فلان چیز را فلان ضمیمه...» * روپیه‌ات را بفروش و هر چند وجه لازم داری از من بپذیر و بعدها بپرداز. پذیرفت و بنده بسیار موفقم که اندکی از

خوبی‌ها و مهربانی‌های او را پاسخ گفتم.

روزی که به هندوستان مراجعت فرمود، بنده تنها کسی بودم که در فرودگاه به بدرقه‌اش رفتم، پژمرده و بیمارسان بود... دو تن دیگر از هندی‌ها با همان هواپیما به هند می‌رفتند شادمان بود که هم سفرانی هم‌زبان و هم‌وطن دارد و گرچه از نظر مذهب یگانگی نبود.

سر و روی یکدیگر را بوسیدیم و گریان‌گریان وداع کردیم چه می‌دانستم که این آخرین دیدار است؟

سال دیگر را که می‌داند حیات یا کجا رفت آن که با ما بود پار؟

مرحوم پروفیسور محمد اسحاق، بی‌هیچ شائبه شهرت‌طلبی و افزون‌جویی به زبان و ادب فارسی عشق داشت. به فارسی شعر نمی‌گفت اما لطف اشعار را درک می‌کرد. با همه بزرگان ادب این سرزمین از قبیل مرحوم: بهار، دهخدا، محمدعلی فروغی، اقبال آشتیانی، عبدالعظیم قریب، اعتمادالدوله، ادیب پیشاوری، دکتر صورتگر، سعید نفیسی، ادیب السلطنه سمیعی، سیدحسن مشکوة طبسی، شمس‌العلماء قریب، دانش طهرانی، دانش خراسانی، امیر خیزی، سید اشرف‌الدین نسیم شمال، فرخی یزدی... رحمت‌الله علیهم اجمعین و آقایان: مینوی، عباس خلیلی (که با او، همواره به زبان عربی سخن می‌گفت)، بدیع‌الزمان فروزانفر و دیگر استادان و بزرگان که نامشان به خاطر نیست دوستی و آمیزش و گفت و شنود و مخاطبه و مکاتبه داشت. از این بنده بی‌مقدار هم همواره به نامه و پیام یادی می‌فرمود و بارها به خانه خودش دعوت می‌کرد، که توفیق نبود. بنده تصور می‌کنم که در روابط دوستان شرقی، نوعی معنویت اقلیمی و نژادی است که آن خصوصیت را در موارد دیگر نمی‌توان یافت.

رموز حکمت و اندیشه در سعادت نوع بود ز تربیت شرقیان نشانی چند

از تألیفات پروفیسور محمد اسحاق آنچه بنده را به خاطر است و به چاپ رسیده عبارت است از سخنوران ایران در عصر حاضر در سه مجلد - هفت اقلیم - روضات الجنات - چهار شاعره بزرگ ایران^۱ - شاعران عصر غزنوی - و این کتاب گویا هنوز انتشار نیافته. مقالات آن بزرگوار درباره ایران در جراید هندوستان و بیشتر در مجله ۲۵ ساله بزم ایران و مجموعه‌های ادبی پراکنده است که تصور نمی‌رود صاحب همتی یکجا جمع کند، و باید گفت که بسیاری از این مقالات به زبان انگلیسی است.

* * *

مهم‌ترین خدمت مرحوم دکتر اسحاق تأسیس ایران سوسیته در کلکته، و نیز ایجاد مجله بزم ایران است در ۱۹۴۴ میلادی؛ که مقرر بود در همین اوقات جشن بیست و پنجمین سال آن برپا شود.

پروفیسور اسحاق را فرزند نیست و فرزند معنوی او همین مؤسسه انجمن ایران در کلکته است، همه همت او در نگاهبانی این مؤسسه ارجمند بود. و چون در این راه دشواری‌هایی پدید آمده بود سخت رنج می‌برد که جریان این دشواری به اختصار در مجله یغما شماره مهرماه سال ۱۳۴۵ یاد شده، باشد شما بزرگان و آقایان عظام همتی فرمایید که این مؤسسه پایدار بماند که ارجمندترین یادگار ادبی این بزرگوار است. باری، با مرگ پروفیسور محمد اسحاق کشور ایران خدمتگزاری نجیب و مهربان و عاشق را از دست داد که تصور نمی‌رود نظیر او به این زودی‌ها در هندوستان پیدا شود، و بزرگان ادب ایران هر چند از مقام و ارزش او تجلیل و تمجید کنند کم است. کمترین تجلیلی که می‌توان از این مرد بزرگ کرد و باید کرد این است که یکی از دبیرستان‌های طهران را به نام وی بنامند تا فرزندان آینده ایران وقتی نام محمد اسحاق را بخوانند و بشنوند خدمات وی را به یاد آورند و این اقدام وظیفه ما بزرگان مجلس است.*

1. Four Eminent Poetesses of Iran, Clcutta, 1960

* این پیشنهاد تاکنون پذیرفته نشده، مگر از این به بعد اقدامی شود. (یغمایی)

تقریظ

آقای محمد اسحاق که با ذائقه انتقادی و قضاوت صحیح، قبلاً گلچینی از شعر شاعران جدید ایران^(۱) در دو جلد تألیف کرده بود، اکنون «شعر جدید فارسی» را به عنوان موضوع رساله خود برای اخذ درجه دکتری از دانشگاه لندن برگزیده است. مطمئناً امکان نداشت موضوعی بهتر از این انتخاب کرد و هیچ کس بهتر از آقای اسحاق که دقیق ترین و عالمانه ترین مطالعات را در این باره دارد حائز شرایط لازم برای نوشتن این موضوع نبود. این کتاب برای آن عده از ما هندی ها که فارسی خوانده اند لطف خاصی دارد. ما با شاعران استاد قدیم از قبیل سعدی، حافظ، فردوسی، جامی، رومی و عمر خیام — که از خلال چندین ترجمه انگلیسی شهرت جهانی یافته است — آشنا هستیم، اما شعر جدید فارسی اغلب برای ما در حکم کتاب بسته یی است. فقط خیلی از ما درباره حجم قابل ملاحظه شعر ۵۰ ساله اخیر ایران اطلاعات کاملی دارند. بنابراین کتاب آقای اسحاق که از این ادبیات جدید بحث دقیق و انتقادی به عمل آورده است برای ما بهترین هدیه است. این کتاب فی الحقیقه دنیای جدیدی را بر ما عرضه می کند که با کشف آن آدمی به همان احساسی دست می یابد که کیتس Keats^(۲) از خواندن هومر (از طریق ترجمه چاپمن Chapman^(۳)) به آن رسیده بود و این احساس خود را به احساس پیزارو Pizarro^(۴) — که «خاموش بر قلعه یی از دارین Darien^(۵) خیره مانده است» تشبیه کرده بود. شعر یک ملت انعکاس زندگی و اندیشه اوست و به طرز روشنی آرزوها و امیدهای

او را نشان می‌دهد، همان‌گونه که اندوه‌ها و دشواری‌های او را نیز منعکس می‌کند. حوادث خارجی - که در جهان تأثیر زیادی دارند و از این روی تأثیر آن‌ها کمتر از نهضت‌های بزرگ مردمی داخلی نیست - اغلب آن را تحت تأثیر عمیقی قرار می‌دهند. احساسات مردمی غالباً در ترانه‌های مردمی تجلی کرده و بیان می‌شوند. از میان عوامل مختلفی که آقای اسحاق معتقد است شعر جدید فارسی را تحت تأثیر قرار داده‌اند، چندین مورد - نظیر جنگ جهانی اخیر، جنگ روس و ژاپن و نیز نهضت انقلابی روشنفکرانی چون سیدجمال‌الدین افغانی در سال‌های آخر قرن گذشته، در این کتاب مطرح شده‌اند.

بعد از دوره کلاسیک‌های بزرگ شعر فارسی مثل شعر اردو - که از شعر فارسی تقلید می‌کرد - دچار انحطاط شد و به مضامین قراردادی و قوالب کلیشه‌یی بیان از قبیل گل سرخ، بلبل و زیبایی معشوق (که همیشه کاملاً قراردادی بود) محدود گردید. اما در نوزایی‌یی که حاصل جنبش جدید آزادی‌خواهانه در ایران است از گذشته بریدند. بسیاری از رسوم و سنن قدیمی رها شد.

در ادبیات، شعر قراردادی نسل قدیم اندک اندک جای خود را به شعری داد که هم آزادانه‌تر و هم نیرومندتر بود، هر چند قوانین عروضی هیچ تغییر قابل ملاحظه‌یی نکرد. محافظه‌کاری در ادبیات شاید شدیدتر از محافظه‌کاری در امور دیگر باشد. مردم نسبت به هر گونه انحراف قاطعانه از قوالب معهود کهن، نوعی بی‌اعتمادی طبیعی احساس می‌کنند. در این جا مانند عالم سیاست، یک انقلاب ناگهانی به وقوع نمی‌پیوندد. بدین ترتیب قریب به ۵۰ سال طول کشید تا شعر فارسی از مکتب کهن به مکتب جدید منتقل شد، یعنی به جایی که سرانجام الهه شعر فارسی قیودی را که قراردادهای او تحمیل کرده بودند از هم درگسیخت. شاعرانی نظیر حالی^(۱)، اکبر^(۲) و اقبال یک چنین تحول مشابهی را در ادبیات اردو به وجود آوردند. آقای اسحاق به دقت رد پای این تحول را در شاعران دوره نوزایی فارسی دنبال کرده است.

از آنانی که مضامین قراردادی و قوالب قدیمی را حفظ کردند شروع کرده، آنگاه از آنانی که مضامین آزادتر و وسیع‌تری را برگزیدند اما همچنان به قوالب قدیمی دلبسته ماندند سخن گفت و سرانجام به آنانی رسید که شجاعانه هم صورت و هم معنی را تغییر داده‌اند. او این تحولات را به سه دوره مشخص تقسیم کرد. ضمناً در این خلال به جزئیات متعددی از قبیل تعیین موقعیت مکانی این شاعران، تجربه‌های عروضی جدیدی که به وسیله بعضی از آنان صورت گرفته، وام گرفتن لغات و عبارات تازه از چندین زبان بیگانه، خاصه فرانسه و انگلیسی و پدیده‌های تازه دیگر هم پرداخت.

متأسفانه در تقریظ مختصری چون این، کاری بیش از این نمی‌شود کرد که به این جزئیات — که بسیار جالب هم هستند فقط اشاره‌ی کرده و به قسمت مهم‌تر رساله بپردازیم.

مسأله کلی این است: ارزش شعرهایی که این چنین مؤمنانه تقلای ملی، اهداف و الهامات توده مردم را منعکس می‌کند، اگر از دیدگاه تعلیمات ملی یا وطنی نگریسته نشود بلکه از نظر ارزش ذاتی یعنی به لحاظ خود ادبیات مورد دقت قرار گیرد، چه میزان است؟ آیا این نوزایی، بزرگمردانی نظیر هومر یا شکسپیر، دانته یا میلتن یا والمیکی Valmiki^(۸) یا فردوسی یا خیام پرورانیده است؟ یعنی کسانی که مافوق قیود ملیت و زمان باشند، برای کشور یا دوره مخصوصی ننویسند، بلکه برای همه زمان‌ها و همه ملت‌ها نوشته باشند، کسانی که خلاصه ملزم باشند برای همه عالم انسانیت پیام آور گردند؟

من شک دارم که نابغه‌ی چنین در میان این شاعران جدید وجود داشته باشد. اما هنوز بسیار زود است که فتوی دهیم. زمانه زر و مس را از هم جدا ساخته و فقط آن را که دارای ارزش جاویدان است حفظ خواهد کرد. زیرا آثار و امور موقتی ادبی، در طی زمان ناپدید شده به دست فراموشی سپرده خواهند شد، در حالی که بشریت با غریزه بقای نفسش، بهترین را نگاه داشته و می‌پروراند. به همین دلیل است که ملت‌ها بیشتر به علت سهم و نقشی که در فرهنگ جهانی داشته‌اند باقی مانده‌اند تا از بابت فتوحات بی‌رحمانه.

یک ملت بدون این که خطا کند آنچه را که بهتر است و ارزش حفظ و نگهداری بیشتری دارد در شعر و هنر خود تشخیص داده و برای ماندگار شدن خود بدان چنگ می آویزد. اگر هیچ مزیت برجسته‌یی در تمامیت این شعر جدید فارسی نباشد به هر تقدیر چیزهای بسیاری هم هست که عالی بوده و مؤلف این رساله محق است که بگوید: بسیاری از شاعرانی که در این کتاب ذکر شده‌اند مقام جاویدانی در ادبیات فارسی خواهند یافت. از میان این شاعران، چندین زن هم وجود دارند که بسیار قابل اهمیت‌اند. زیرا به اندازه نقش انقلاب ادبی، در تحرک روح اجتماع مؤثر بوده‌اند.

باری، فارسی زبان زیبایی است، آهنگ موسیقایی، واژگان همه‌جانبه و اصطلاحات موجز و روشن آن کیفیت‌هایی هستند که خواننده را افسون می‌کنند. علاوه بر این‌ها، مسأله بذله و لطیفه است که ایرانیان به آن مشهورند. این کیفیات که نبوغ ذاتی زبان را تشکیل می‌دهند - همان‌طور که از مطالعه گردآورده‌های آقای اسحاق در این کتاب و خصوصاً از اشعاری که او در گلچین قابل تحسینش جمع‌آوری کرده است معلوم می‌شود - به مقدار فراوانی در شعر جدید هم وجود دارند. نتیجه این‌که، این رساله را که آقای اسحاق پیشنهاد کرده و به عنوان رساله دکتری او تصویب شده است، کار پرزحمت و جدی و امینی است که تحقیق دشوار و فضل و دانش وسیع او را نشان می‌دهد. این کتاب سهم ارزشمندی در ارزیابی ادبی معاصر دارد و بی‌شک مقبول طبع همه دوستداران ادبیات فارسی خواهد بود.

حیدرآباد دکن

یازدهم ژولای، ۱۹۴۳

نواب مهدی‌یار جنگ بهادر

توضیحات مترجم

(۱) گلچینی از شعر شاعران جدید

منظور کتاب «سخنوران ایران در عصر حاضر» تألیف محمد اسحاق است که در دو جلد به چاپ رسیده است:

ج ۱، ۱۹۳۳ م، ۱۸ + ۴۵۵ + ۷ ص

ج ۲، ۱۹۳۷ م، ۷ + ۴۸۲ + ۲۳ ص

جمالزاده بر جلد اول مقدمه‌یی نوشته است که به تاریخ ۱۳۱۱ است. مقدمه‌یی از فروغی در مجموعه مقالات او آمده است که گویا در کتاب اسحاق چاپ نشده است. سال‌ها پیش جلد اول آن را در کتابخانه ملی و هر دو جلد را در کتابخانه دانشکده ادبیات شیراز دیده بودم. جلد اول در ۱۳۵۱ هجری قمری و جلد دوم در ۱۳۵۵ ه.ق در کلکته با کاغذ خوب چاپ شده، از هر شاعر عکسی و اشعاری آمده است.

کتاب «شعر جدید فارسی» در حقیقت تکمله‌یی بر این کتاب و به‌طور کلی مبتنی بر آن است، نویسنده معمولاً طرح مطلب می‌کند و به اشعار کتاب سخنوران ایران در عصر حاضر ارجاع می‌دهد.

(۲) کیتس

جان کیتس John Keats متولد به سال ۱۷۹۵ و متوفی به سال ۱۸۲۱ از شاعران بزرگ انگلیس بود. او و شلی و بایرون را از بزرگترین شاعران رمانتیک انگلستان می‌دانند.

(۳) چاپمن

جرج چاپمن George Chapman متولد به سال ۱۵۵۹ و متوفی به سال ۱۶۳۴. شاعر و نمایشنامه‌نویس مهم انگلیسی است که مترجم آثار هومر هم بود.

(۴) پزارو

فرانسیسکو پزارو Francisco Pizarro (۱۵۴۱-۱۴۷۴) و گونزالو پزارو Gonzalo (۱۵۴۸-۱۵۰۲) برادر بودند. این دو برادر اسپانیایی کاشف و فاتح سرزمین پرو (آمریکای جنوبی) هستند.

(۵) دارین

دارین Darien اسم سنتی گردنه پاناما (آمریکای مرکزی) است.

(۶) حالی

مولانا الطاف حسین حالی از شاگردان میرزا اسدالله خان غالب بود. درباره سعدی کتاب نوشته و به او سعدی هند می‌گویند. (این کتاب را سروش به فارسی ترجمه کرده است).

(۷) اکبر

سید اکبر حسین الله آبادی، سید اما سنی بود. به شوخ طبعی و هزالی معروف است. علیه انگلیسی‌ها شعر می‌گفت.

(۸) والمیکی

Valmiki سراینده رامایانا حماسه معروف هندی. این حماسه را فیضی دکنی در قرن دهم به نام وظیفه فیضی به فارسی ترجمه کرد.

مقدمه مؤلف

اثر حاضر در واقع رساله دکتری این جانب است که به دانشگاه لندن عرضه شد. این اثر یک بررسی انتقادی از شاعران و شعر جدید فارسی است. در سایه بیداری حاصل از نهضت مشروطیت، شعر فارسی تغییر قابل ملاحظه‌ای کرد. اگر شعر سنتی (Classical) از جهت معنی و بیان، نظری است، شعر جدید کاملاً کاربردی است: یک آگاهی جدید و وسعت نظر جدید این شعر را مشخص می‌کند.

برای این که در این زمینه معلومات دست‌اولی حاصل آید، دو بار به ایران سفر کردم. سفر نخست در سال ۱۹۳۰ و سفر دوم در سال ۱۹۳۴ بود. در خلال هشت ماهی که در این کشور بودم از شهرها و مراکز مهم آموزشی بازدید کردم، با شاعران و شاعره‌ها گفتگوهای درازی داشتم. بعد از بازگشت به هند مواد جمع‌آوری شده را در دو جلد به صورت گلبچینی تحت عنوان «سخنوران ایران در عصر حاضر»^۱ چاپ کردم. این هر دو مجلد به طرز شایسته‌یی در بریتانیای کبیر، فرانسه، آلمان، آمریکا، ایران و هند مورد نقد و بررسی قرار گرفت.^۲

۱. جلد اول (۱۹۳۳)، ۱۸ + ۴۵۵ + ۷ صفحه، جلد دوم (۱۹۳۷) ۷ + ۴۸۲ + ۲۳ صفحه

۲. پروفیسور. و. مینورسکی: بولتن مدرسه مطالعات شرقی (Bulletin of the School of oriental

studies) لندن، هشتم، یک، ۱۹۳۵، ص ۵۵-۲۵۴ و نهم، یک، ۱۹۳۷، ص ۵۷-۲۵۶

یک بررسی کلی همراه با نظری انتقادی از موقعیت شعر جدید فارسی همان طور که در صفحات بعد معمول گشته است، همواره آرزوی من بود. اگر کتاب حاضر بدین شکل نگریسته شود می توان آن را دقیقاً تکمله‌ی انتقادی بر گلچین سابق الذکر دانست که در آن مواد لازم تحقق این آرزو تهیه شده بود.

در سال ۱۹۳۴ این افتخار را یافتم که پروفیسور و مینورسکی را در جشن هزاره فردوسی در تهران و طوس ببینم. بر اثر راهنمایی و هدایت او بود که من توانستم این رساله را تقدیم کنم. اثر حاضر از هفت فصل تشکیل شده است. این کتاب از دوره آماده سازی شعر جدید فارسی بحث کرده، آن گاه به معرفی زمانی شاعران همراه با مشخصات فردی آنان می پردازد. مضامین و مسائل کلی مشخص، نظیر توسعه و تحول زبان، بحور و قوالب شعری مورد مطالعه قرار گرفته اند. این تغییرات از هر دو جنبه یعنی هم از لحاظ توسعه و تحول بومی مستقل و هم از لحاظ تأثیرات و نفوذ اجنبی، مورد ملاحظه قرار گرفته اند. فصل فرجامین حاوی ملاحظات کلی‌ی است که مربوط به تمام کتاب می شود. قابل ذکر است که شعر فارسی بعد از جامی به مرحله نظم سقوط کرد.^(۱) شاعران شدیداً به نمونه های اولیه شعر فارسی پرداخته و قدمی از قوالب قراردادی قصیده و غزل و مثنوی با آن مضامین و تخیلات از پیش معلوم فراتر ننهادند. محتشم کاشانی مرثیه را توسعه و تکامل داد در حالی که داوری، قآنی و یغما به تجدید حیات بعضی از اشکال قدیمی تر شعر نظیر مسقط، ترجیع بند و مستزاد پرداختند و بیشتر از آن، هیچ فعالیت اصیل و ریشه داری از آنان سر نزد.

این وضع تا ۱۹۰۶ ادامه داشت، سالی که با آغاز انقلاب ایرانیان - که می توان گفت در آن، دوره جدید شعر فارسی آغاز گشته است - مشخص می شود. این نهضت که

→ پرفیسور ر. ا. نیکلسن: روزنامه انجمن سلطنتی آسیایی - بریتانیای کبیر و ایرلند (Journal of the Royal Asiatic society of great Britain and Ireland) ۱۹۳۵، بخش دوم، ص ۳۹۵ و ۱۹۳۹، بخش ۳، ص ۴۳۹

نتیجه جنبش روشنفکران بود، انگیزه قوی‌یی برای فعالیت‌های ادبی شد. در نتیجه آن، قیود قرون وسطایی گسیخته گردید و در عین حال به شعر کمک شد تا خود را از قیود کلاسیسم برهاند.

باید دانست که تعبیر ما از اصطلاح «جدید» (Modern) با آن‌چه که براون (Browne) قصد می‌کند تفاوت دارد. در نظر براون فارسی جدید معادل «فارسی اسلامی» است یعنی فارسی‌یی که از حمله عرب تا امروز شایع و رایج است. اگر به تعبیر براون معتقد باشیم باید اصطلاح خودمان «شعر جدید» را «ما فوق جدید» (ultra - Modern) بخوانیم.^(۲) من به راستی از مکتبی که در آن پرورش یافته‌ام (Alma Mater)^(۳) یعنی دانشگاه کلکته ممنون و متشکرم، جهت تسهیلاتی که به منظور تحقیقات در حیطه ادبیات و تمدن ایرانی بی‌هیچ دریغی برای بنده فراهم کردند و به‌خصوص برای اعطای امتیاز «حق سفر مطالعاتی» (Ghose Travelling Fellowship) که مرا قادر ساخت تا برای مطالعات بیشتر رهسپار اروپا شوم.

در این خصوص باید از دکتر شیاما پراساد موکرجی (Syama Parasad Mookerjee) — فوق‌لیسانس ادبیات و هنر، لیسانس حقوق، وکیل دعاوی، دکتر ادبیات، فوق‌لیسانس حقوق مدنی، فرزند ارزشمند مرحوم سر آسوتوش موکرجی (Asutosh Mookerjee) و جانشین او در مقام رئیس شورای آموزشی تحصیلات تکمیلی در دانشکده علوم و ادبیات و هنر — نام ببرم که از همان بدو کار من در دانشگاه در مقام معلم بخش عربی و فارسی، ذوق و غرور ادبی مرا پرورش داد و تشویق کرد.

از حلقه یاران دوران تحصیل و دانشگاه، از میان هم‌دوره‌یی‌های برجسته سال بالاتر، بسی مدیون پروفیسور ب.م. بارو (B.M. Barua) هستم نه تنها به خاطر الهام‌بخشی او در تحقیقات مشکل در زمینه کلی فرهنگ اسلامی بلکه هم‌چنین به خاطر انتقادات مفید و سازنده‌اش.

نمی‌توانم اقدامات دوستانه و کلمات تشویق‌آمیز این عاشقان بزرگ علوم اسلامی را

فراموش کنم: مرحوم سر دنیسون (Denison) و خانم روس (Ross)، پروفیسور ج. ر. فرث (Firth)، دکتر لوک هارت (Lockhart) و خانم لوک هارت، آقایان سید حسن تقی زاده که امروز سفیر مختار ایران در لندن است، محمدعلی جمال زاده عضو دفتر بین المللی کار در ژنو و مجتبی مینوی.

نباید از قلم بیفتد که نظرات و پیشنهادهای ارزشمندی از آقایان فرث، تقی زاده و مینوی دریافت داشته‌ام.

از یاران خارج از حلقه تحصیل و دانشگاه، برادر بزرگترم خان صاحب، الحاج عبدالحمید آن دوست و راهنمای حقیقی با راهنمایی‌ها و تشویق‌های گرانقدر کمکی اساسی کرد تا بتوانم روحیه واقعی یک محقق را حفظ کنم. دین من نسبت به او بزرگتر از آن است که با یک عبارت خشک و خالی تشکر ادا شود. جناب نواب مهدی یار جنگ بهادر (The Hon'ble Nawab Mahdi Yar Jung Bahdur) از صاحب نظران آموزش و پرورش در حیدرآباد (دکن) مرا بسیار رهین منت خود کرد که از راه التفات تقریظی بر این کتاب نوشت.

نمی‌توانم این مقدمه را بدون تشکر از آقای ساتیش چاندرا گوش (Satischandra Ghosh) بازرس دانشکده و آقای سیلن درنات میترا (Sailendranath Mitra) منشی شورای آموزشی تحصیلات تکمیلی در دانشکده علوم و ادبیات و هنر به پایان برسانم، باید اذعان کنم که هر دوی آنان از نیک خواهان صمیمی من بوده‌اند.

کلکته

اول اکتبر ۱۹۴۳

محمد اسحاق

توضیحات مترجم

(۱) این ادعای پوچ که در دوران اخیر در بین ادبا شایع گردید و دهن به دهن گشت تا به صورت یک عقیده راسخ ادبی درآمد، پایه و اساسی ندارد. نمی‌دانم اولین بار از دهان چه کسی خارج شد، اما به هر حال به مذاق مخالفین سبک هندی سازگار افتاد.

نه تنها در دوران صفوی بلکه در دوران قاجار هم شاعران بزرگی ظهور کردند که شعر فارسی را اعتلا دادند. این شاعران هم به لحاظ غزل (صائب و کلیم) و هم قصیده (بهار و ادیب الممالک) بر جامی سرزند.

(۲) بدین ترتیب ترجمه دقیق نام کتاب «شعر فارسی جدید» است.

(۳) Alma Mater

در لغت به معنی مادر رضاعی است اما در اصطلاح به معنی دانشگاهی است که بر شخصیت فرد تأثیر بسیار نهاده باشد. دانشگاهی که شخص تربیت روحی و علمی خود را مدیون او باشد. مؤلف «سخنوران ایران در عصر حاضر» را به دانشگاه کلکته «الما ماتر یا مادر علمی» خویش تقدیم کرده است.

اختصارات

رک = رجوع کنید به:
سخن = سخنوران ایران در عصر حاضر، دو جلد، تألیف دکتر محمد اسحاق گلچینی است از اشعار
شعرای معاصر مؤلف.

KONPL = *Kratkii otserk Noweishei Persidskoi Literature*

بررسی مختصر ادبیات جدید فارسی (به روسی).

JA = *Journal Asiatique*

(مجله آسیایی)

JRAS = *Journal of the Royal Asiatic Society of great Britian and Ireland*

مجله انجمن سلطنتی آسیایی بریتانیای کبیر و ایرلند

LHP = *Literary History of Persia by E.G. Browne*

تاریخ ادبیات ایران تألیف ادوارد براون

PPMP = *The Press And Poetry of Modern Persia by E.G. Browne*

مطبوعات و شعر جدید فارسی تألیف براون

PPR = *Poets of the Pahlavi Regime by D.J. Irani*

سخنوران دوران پهلوی تألیف د. ج. ایرانی

ZDMG = *Zeitschrift der Deutschen Margenländischen Gesellschaft*

مجله انجمن آلمان و مشرق زمین

فصل اول

پیدایی

پیدایی شعر جدید

پیدایی شعر جدید ایران از یک طرف مصادف است با پیدایی ایران جدید و از طرف دیگر مقدم بر آن است. پیچیده‌ترین مسأله ایرانیان از یک طرف جستن راه‌حلی برای پایان دادن به تعدیات حکومت نابهنجار قاجار و از طرف دیگر رهایی از چنگال قرارداد روس و انگلیس بود. عذاب فکری شدید شاعران این دوره، همه ساخته و پرداخته این اوضاع و احوال است. این شاعران در صدد جستن راه‌حلی بودند که روان مردان و زنان را از چنگال عادات و سنن اجتماعی و خرافی برهاند. شاعران جدید به امیدی که کشورشان را در تمام جهات متعالی یابند، در موضوع‌های گوناگونی به بحث و فحص مشغول بودند. این آرزوهای نوین، طبعاً نمی‌توانست در قالب و زبانی که طبیعی حماسه‌های سنتی و مباحث خاص صوفیانه بود، به‌طرز شایسته‌یی بیان شود. در نتیجه، برای ارضاء تمایلات جدید، قوالب می‌بایست تغییر و تحول یابند.

شعر از انقلاب عمومی اجتماعی متابعت می‌کند

در بیان حوادث و تحولات جهانی که در پیدایی آگاهی‌های نوین ملی و متعاقباً —

- البته تا حدودی - بر شعر جدید فارسی تأثیر داشته‌اند، عوامل زیر را می‌توان نام برد:
- ۱- تماس روزافزون با فرهنگ جهانی.
 - ۲- نهضتی که مشخصه آن ظهور دختر محمد صالح قزوینی^۱ است.
 - ۳- هیجان انقلابی بی که سیدجمال‌الدین^۲ به وجود آورد. و مقالاتی که در ضیاءالمخافتین^۳ و قانون^۴ نگاشته آمد. در این مقالات سیدجمال‌الدین و ملکم‌خان ارمی^۵ به شدت به ناصرالدین شاه^۶ و حکومت او حمله می‌کردند.
 - ۴- جنگ روس و ژاپن^۷ که منجر به شکست روس‌ها و ترقی ناگهانی و تبدیل ژاپن به یک قدرت جهانی گشت.
 - ۵- تغییرات سیاسی و اجتماعی قفقاز بعد از جنگ روس و ژاپن که در جراید ترکی زبان باکو و تفلیس نظیر ارشاد، حیات، شرق روس و ملانصرالدین، انعکاس یافت.
 - ۶- طغیان روزافزون در مقابل قشر متحجر و فاسدالاخلاق روحانی نمایان و سوء حکومت سلسله مستبد قاجار.

۱. در ۱۸۴۴ میلادی آغاز گشت.
۲. مقتول به سال ۱۸۵۲، رک: مقالة این جانب (qurratu'l-Ayn-a BabiMartyr) در مجله کلکه (Calcutta Review)، مه ۱۹۴۲
۳. متولد شعبان ۱۲۵۴ اکتبر - نوامبر ۱۸۳۸ و متوفی در ۵ شوال ۱۳۱۴، ۹ مارس ۱۸۹۷
۴. ماهنامه دو زبانه (عربی و انگلیسی) که در فوریه ۱۸۹۲ در لندن شروع به کار کرد.
۵. نشریه فارسی که ملکم‌خان در بیستم فوریه ۱۸۹۰ در لندن بنیاد نهاد. چهل و یک شماره از این روزنامه منتشر گشت. رک: PPMP صفحه ۱۲۵ و انقلاب ایران، ص ۴۲ - ۳۵.
۶. در ۱۲۴۹ هجری در اصفهان زاده شد / ۳۴ - ۱۸۳۳ میلادی و در ۱۳۲۶ هجری / ۱۹۰۸ میلادی در رم درگذشت.
۷. در ۱۷ جولای ۱۸۳۱ زاده شد. در ۱۷ سپتامبر ۱۸۴۸ به سلطنت رسید و در ۱ مه ۱۸۹۶ ترور شد.
۸. این جنگ در ۸ فوریه ۱۹۰۴ آغاز یافت و در ۵ سپتامبر ۱۹۰۵ فرجام پذیرفت.

۷- هراس ناشی از معاهده سال ۱۹۰۷ روس و انگلیس که تمامیت ارضی ایران را تهدید می کرد.

۸- آخرین جنگ بزرگ اروپا با آن پیشامدهای ضمنی تکان دهنده و نتایج خطیر از قبیل انقلاب روسیه که منجر به سقوط تزار و تشکیل حکومت اشتراکی گردید، تأسیس جامعه ملل، نهضت جوانان و زنان در تمام دنیا.

۹- انتشار اختراعات جدید علمی از قبیل تلگراف، تلفن، گرامافون، راه آهن، اتومبیل، سینما، بی سیم، هواپیما، زیردریایی و غیره.

تمام این عوامل بر حیات سیاسی و اجتماعی ایران تأثیر گذاشته، در شعر جدید فارسی منعکس شدند. جهان جدید باب یک آکادمی بزرگ را برای بحث در همه نوع مسائل زندگی خصوصی و اجتماعی، تعلیم و تربیت، سیاست، اقتصاد، فلسفه و مذهب، فراروی شاعران جدید گشوده ساخت. عرصه این موضوعات به نحو قابل توجهی گسترده است و به خوبی طبیعت مسائل مبتلا به آن روزگار را تبیین می کند.

دوره کوتاه اما خلاق

دوران جدید شعر فارسی کوتاه، اما خلاق است. من در گلچینی که از شعر معاصر فارسی تهیه دیده ام حدود ۸۳ شاعر را به عنوان نمایندگان این دوران معرفی کرده ام، اما به آسانی می توان تعداد آنان را افزون تر ساخت^۱ البته در میان این عده، فردوسی و سعدی بی وجود ندارد، اما مشخصه اغلب آنان فردیت و استقلال است که به هر تقدیر باعث می شود تا برای این شاعران هم جای مخصوصی در نظر گرفته شود.

۱. یادداشت (*) در حاشیه صفحه ۶۶ دیده شود.

چاووش عصر جدید

شاید بتوان ادیب پیشاوری را چاووش نسل جدید شاعران ایرانی دانست.^(۱) اگر چه او خود را با ایران و ایرانی یکی کرد با وجود این هرگز هند یعنی زادگاه خود را از یاد نبرد. او به فارسی و عربی به اسلوب قدما شعر می‌گفت. **خاقانی و قانی**، به خصوص دو شاعر مورد توجه او هستند. اینان نخستین شاعرانی هستند که ادیب در اشعار پارسی خود به اقتضای آنان رفته است. با توجه به شکل شعر، در می‌یابیم که قصاید، غزلیات و رباعیات او چیز تازه‌یی نیستند، تنها در انتخاب موضوعات است که اصالت و تازگی به چشم می‌خورد. حتی با مروری شتاب‌زده در دیوان او، می‌توان چگونگی انعکاس حوادث مختلف جهانی و نتایج آن‌ها را در ذهن شاعر ملاحظه کرد. او شعری درباره جنگ روس و ژاپن و یک شعر طویل پر خاشاکرانه در ترغیب هندوان به انقلاب و چند قصیده در مورد قیصر معزول و تعداد فراوانی اشعار متفرقه درباره جنگ اروپا و اوضاع و احوال منحط جهان اسلامی دارد. ادیب به خصوص در اشعاری که درباره ایران و مردم آن سروده است وطن‌پرستی را ستوده و حب وطن را تأکید کرده است.

همان‌طور که معمولاً در مورد هر پیشگامی ملاحظه می‌گردد، اندیشه‌های ادیب هم خام و نارس و زبان او نسبتاً پر از همان اصطلاحات مطمئن قدیمی است. از این گذشته، او چون مهاجر و زبان مادریش پشتو بود، در اشعار پارسی و عربی خود نتوانست جایی در سلسله قدرت‌نمایان سستی به دست آورد، ولی آثار تازه‌یی از احساسات خود نسبت به ایران باقی گذاشت. وقتی که همه شاعران یک زبان شدند قدرت بیشتری در بیان یافتند و توانستند هم‌میهنانشان را شجاعانه‌تر مورد خطاب قرار دهند. ادیب طلیعه یک دوره جدید در شعر فارسی است، دوره‌یی که شاعران بسیاری را پرورید که سرآمد همه آنان، **ملک الشعراء بهار** است.

صورت و معنی شعر جدید

اشکال شعری قدیم هنوز هم در ایران متداول است. اما از آن‌ها غالباً برای تبیین مفاهیمی که در قدیم مرسوم نبود، استفاده می‌شود. به‌طور کلی قصیده یا شعر درباری ادوار قبلی، در شعر جدید به چشم نمی‌خورد. قصیده به عنوان یک قالب باقی ماند اما هدف آن دیگر چاپلوسی از سلاطین و اشراف درباری - به جهت استفاده‌های شخصی - نیست. موضوع یکی از قصاید^۱ سالار شیوازی، آموزشی است. عارف قزوینی در قصیده‌یی^۲ به موضوع مواجهیه که بعضی از هم‌میهنانش از سفارت‌های بیگانه می‌گیرند، اشاره می‌کند. فروخی یزدی در قصیده‌یی^۳ از وثوق‌الدوله به جهت قرارداد انگلیس و ایران انتقاد کرده است. بر همین منوال غزل، مثنوی، قطعه و رباعی هم هنوز شایع هستند اما این نام‌ها دیگر تنها به مضامین معینی دلالت نمی‌کنند. امروزه تنها مضامین و روش پرداختن آن‌هاست که به حساب می‌آید.

طبقه‌بندی شاعران

از نظر قوالب و مضامین شعر، شاعران این دوره را می‌توان به آسانی - همان‌طور که در جای دیگر هم عمل شد^۴ - به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

۱- آنان که به اسلوب قدما شعر می‌گویند و مضامین قدیمی را تکرار می‌کنند. مثل: آزاد همدانی، بیضایی کاشانی، دانش تهرانی، ربانی، شهاب، شعاع، عبرت، غمام، ناصح، وثوق، هادی، یکتا و دیگران.

۲- آنان که به اسلوب قدما شعر می‌گویند اما در مضامین جدید آویخته‌اند. مثل: ادیب پیشاوری، افسر، امیری، بهار، پروین اعتصامی، پژمان، پورداد، حکمت، دانش

۲. سخن، ج ۱، ۳۷-۱۳۶

۱. سخن، ج ۱، ۳۷-۱۳۶

۳. همان، ۱۷-۳۱۶

۴. سخن، ج ۱، ص ۴ و ۵ (مقدمه) هم‌چنین ج ۲، ص ۲۰ (مقدمه)

خراسانی، شهریار، عارف و دیگران.

۳- آنان که هم به اسلوبی نورسیده و هم به مضامین نوین می پردازند، چون: احمدی، سرمد، صورتگر، لاهوتی و دیگران.

۴- آنان که قدرت ادبی خود را مصروف ساختن تصنیف کرده اند، چون: احمدی، امیری، بهار، پژمان، جاهد، شیدا، عارف و دیگران.

توضیحات مترجم

(۱) ادیب پشاور

به نظر می رسد که هم وطنی مؤلف با ادیب پشاور، باعث این اظهار عقیده مشکوک شده باشد. سیداحمد ادیب پشاور در حدود سال ۱۲۶۰ ه.ق در کشور هندوستان در کوهستان های بین خاک افغانستان و پشاور به دنیا آمد. به سال ۱۳۴۹ روز دوشنبه سوم صفر در تهران به بیماری سکه درگذشت.

رک، از صبا تا نیما، ج ۲، ص ۳۱۸، تألیف حبیبی
آرین پور، کتاب های حبیبی، ۱۳۵۱، چاپ دوم.

فصل دوم

شاعران

معرفی شاعران

در اینجا ما برآنیم که شاعران ایران امروز را به ترتیب زمانی (تاریخ تولد) معرفی کرده، مطابق محل تولدشان، گروه‌بندی کنیم. ما به هیچ روی مدعی نیستیم که سیاهه زیر، جامع و کامل است، همچنین مدعی نیستیم که شاعران نامبرده، همه در یک شأن و اعتبار هستند. نیز این سیاهه نباید دلیل بر بی‌احترامی به کسانی که نام آنان از قلم افتاده است تلقی شود. معیار انتخاب ما از این شاعران، شهرت و اعتبار ادبی آنان است.

الف) شاعران بر طبق تقدّم زمانی:

نام و تخلص	تولد (هجری قمری)	وفات (هجری قمری)	محل تولد
۱. سیداحمد ادیب ^۱	۱۲۶۰	۱۳۴۹ ^۲	پیشاور

۱. تاریخ دقیق تولد او معلوم نیست. علی عبدالرسولی که در ۱۳۵۲ هجری / ۱۹۳۳ میلادی دیوان او را چاپ کرده است (در ص ۲ مقدمه) و دینشاه ایرانی (در کتاب سخنوران دوران پهلوی ص ۵) تاریخ تقریبی تولد او را ۱۲۶۰ هجری / ۴۵-۱۸۴۴ میلادی گفته‌اند.
۲. ۱. برتلس (E. Berthels) تاریخ وفات ادیب را ۱۹۳۱ میلادی ذکر کرده است (رک: دائرةالمعارف

۲. محمد حسین غریب ربّانی	۱۲۶۲	۱۳۴۵ ^۱	گزگان
۳. رضاخان (شاهزاده ارفع) دانش	۱۲۶۷	۱۳۵۶ ^۲	تبریز
۴. محمد جواد شهاب	۱۲۷۰	۱۳۵۱	کرمانشاه
۵. محمد تقی شوریده	۱۲۷۴	۱۳۴۵ ^۳	شیراز

→ اسلامی، ج ۳، ص ۱۰۶۴) اما تاریخ دقیق مرگ او دوشنبه سوم صفر ۱۳۴۹ هجری / سیام ژوئن ۱۹۳۰ است (در آن هنگام من در تهران بودم).
وثوق الدوله را در مرگ او مرثیه‌یی است که به این ماده تاریخ مختم است:
آه بیفزود و گفت حیف و دریغ از ادیب.

یعنی ۱۳۴۹ (رک: سخن، ج ۲، ص ۳۸۳).
۱. وحید دستگردی را در مرگ ربّانی مرثیه‌یی است (رک: سخن، ج ۲، ص ۱۷۴) که بیت آخر آن مشتمل بر تاریخ وفات اوست:

سر برون کرد ز مینوی فلک جاحظ و گفت آفتاب فلک علم و ادب جست افول
در اینجا سه که معادل «ج» جاحظ است از مجموع اعداد مصراع دوم کاسته می‌شود یعنی
 $۱۳۴۵ - ۳ = ۱۳۴۸$

۲. شاهزاده ارفع در ۱۹ مارس ۱۹۳۷ / ۲۸ اسفند ۱۳۱۵، خورشیدی درگذشت.
نادری در مرثیه‌یی ماده تاریخ او را چنین گفته است:

سر ز طهران برون نمود و سرود رفت دانش ز عالم فانی

(رک: کانون شعرا، ص ۷، شماره ۴۰-۳۶، مجلد ۳)

در اینجا عدد طاء طهران را باید از مجموعه اعداد مصراع دوم کاست یعنی:
 $۱۳۱۵ - ۹ = ۱۳۲۴$

۳. تاریخ تولد شوریده مطابق با آنچه که حاجی میرزا حسن شیرازی در فارس نامه ناصری نوشته است ۱۲۷۴ هجری / ۵۸-۱۸۵۷ میلادی است. اما مطابق با ماده تاریخ (هفت سال و هفت روز) که در این بیت شاعر آمده است:

گفت کی زایید مامت گفتمش مامم چو زاد رفته بود از سال هجرت هفت سال و هفت روز
او در ۱۲۸۰ هجری / ۶۴-۱۸۶۳ میلادی متولد شد. اگر «و» را در ماده تاریخ «هفت سال و هفت روز» نادیده بگیریم، این مغایرت از بین خواهد رفت. تاریخ دقیق مرگ او پنجشنبه، ششم

۶. صادق خان (ادیب الممالک) امیری	۱۲۷۷	۱۳۳۶ ^(۱)	کازران ^(۲)
۷. عبدالجواد ادیب	۱۲۸۱	۱۳۴۴ ^۲	نیشابور
۸. یحیی (یحیی)	۱۲۸۱ ^۳	۱۳۱۸	دولت آباد
۹. حسین خان اسفندیاری	۱۲۸۳		تهران
۱۰. محمد علی خان عبرت ^(۴)	۱۲۸۵		اصفهان
۱۱. سید اشرف الدین اشرف	۱۲۸۸	۱۳۵۰	رشت ^(۴)
۱۲. تقی خان (ضیاء لشکر) دانش ^(۵)	۱۲۸۸		تفرش
۱۳. حیدر علی کمالی ^(۶)	۱۲۸۸		ابر قو
۱۴. محمد حسین خان (شعاع الملک) شعاع ^(۷)	۱۲۸۹		شیراز
۱۵. عبدالحسین آیتی ^(۸)	۱۲۹۰		تفت
۱۶. ایرج میرزا (جلال الممالک) ایوج	۱۲۹۱	۱۳۴۴ ^۴	تبریز

→ ربیع الثانی ۱۳۴۵ است. شاعر پیش از مرگ، شعر لوح قبر خویش را سرود. از روی مصراع آخر آن که در اینجا ذکر می گردد تاریخ سال مرگ شاعر به دست می آید:
شده شوریده به جان جانب منان رحیم.

یعنی ۱۳۴۵ (رک: سخن، ج ۱، ص ۱۹۰).

۱. وقتی امیری زاده شد، یکی از دوستان پدرش رباعی زیر را سرود:

«پیغمبر پاک» تاریخ زادروز او را به دست می دهد (۱۲۷۷ هجری).

فرخنده نژاد صادق آن اختر پاک دارای نژاد فرخ و گوهر پاک

پیغمبر پاک سال میلادش شد چون هست ز خاندان پیغمبر پاک

۲. اشراق خاوری سال تولد او را ۱۲۸۴ هجری ذکر کرده است. (رک: ارمغان، ۷، ص ۲۳۵).

طبق قول رشید یاسمی او در ۱۲ ذوالقعدة ۱۳۴۴ درگذشت. (رک: ادبیات معاصر، ص ۱۵).

۳. یحیی در سال ۱۳۳۰ هجری [قمری] شعری سرود که مصراع نخستین آن این است: ز پنجاه

سالت فزون گشت عمر. از روی این مصراع می توان سال تولد او را تخمیناً ۱۲۸۰ = ۵۰ - ۱۳۳۰

دانست. (تمام شعر را می توانید در اردیبهشت، ص ۶ ملاحظه فرمایید).

۴. شوریده در رثای ایوج، مرثیه بی سرود که مصراع آخر آن حاوی ماده تاریخ وفات اوست: ایرج

استانبول	۱۲۹۲	۱۷. حسین خان دانش ^(۹)
نجف	۱۲۹۲	۱۸. محمد یوسف زاده غمام ^(۱۰)
تهران	۱۲۹۲	۱۹. حسن خان (وثوق الدوله) وثوق ^(۱۱)
رشت	۱۲۹۳	۲۰. حسین خان سمیعی (ادیب السلطنه) عطا ^(۱۲)
تبریز	۱۲۹۴	۲۱. اسماعیل امیرخیزی گوامی
رشت	۱۳۵۲	۲۲. محمد کسمایی
گورکان	۱۲۹۶	۲۳. عبدالعظیم خان قریب ^(۱۳)
سبزوار	۱۳۶۰	۲۴. محمد هاشم میرزا افسر ^(۱۴)
تهران	۱۲۹۷	۲۵. علی اکبر خان دهخدا دخو ^(۱۵)
تبریز	۱۲۹۸	۲۶. محمد حسین ادیب آزاد ادیب
دستگرد	۱۲۹۸	۲۷. حسن خان وحید ^(۱۶)
مشهد	۱۲۹۹	۲۸. محمد حسین نادری
اران	۱۳۵۲	۲۹. علی محمد بیضایی
جوشقان	۱۲۹۹	۳۰. احمد خان اشتری یکتا ^(۱۷)
قزوین	۱۳۵۱	۳۱. ابوالقاسم عارف ^(۱۸)

→ مامرد آه از کید این تور فلک. یعنی ۱۳۴۴ (سخن، ج ۱، ص ۸۷-۱۸۶).

۱. رشید یاسمی سال تولد افسر را ۲۱ محرم ۱۲۹۷ ذکر کرده است (رک: ادبیات معاصر، ص ۱۶).

۲. به طوری که فرزند او میرزا حسین خان بیضایی^(۱۹) در مقاله‌ی درباره‌ی پدر خود نوشته است تاریخ دقیق مرگ شاعر سه شنبه ۱۵ اسفند ۱۳۱۳ خورشیدی است. (رک: ارمغان، ۱۶، ص ۶۴)

۳. رشید یاسمی وفات عارف را در بهمن ۱۳۱۲ خورشیدی نوشته است (رک: ادبیات معاصر، ص ۶۹). ک. چایکین (رک: بررسی مختصری از ادبیات جدید فارسی) و برتلس (رک: دائرة المعارف اسلامی، ۳، ص ۵، ۱۰۶) تاریخ تولد او را ۸۰-۱۸۷۹ میلادی نوشته‌اند. در

کرمان	۱۳۰۱	۳۲. احمدخان بهمنیار دهقان ^(۲۰)
تهران	۱۳۰۱	۳۳. ابوالحسن خان فروغی ^(۲۱)
تهران	۱۳۰۱	۳۴. مرتضی خان (ترجمان الممالک) فرهنگ
همدان	۱۳۰۲	۳۵. علی محمدخان آزاد ^(۲۲)
شیراز	۱۳۰۲	۳۶. ناصرالدین خان سالار ^(۲۳)
تهران	۱۳۰۳	۳۷. تقی خان آقاولی بینش ^(۲۴)
رشت	۱۳۰۳	۳۸. ابراهیم خان پورداد پور ^(۲۵)
مشهد	۱۳۰۴	۳۹. محمدتقی (ملک الشعرا) بهار ^(۲۶)
توسرکان	۱۳۰۴	۴۰. یدالله خان مایل
تهران	۱۳۰۵	۴۱. عبدالحسین خان (شیخ الممالک) اورنگ
مشهد	۱۳۰۵	۴۲. محمدعلی خان بامداد
کاشان	۱۳۰۵	۴۳. نظام وفا نظام ^(۲۷)
یزد	۱۳۵۸ ^۲	۴۴. محمد فرخی
کرمانشاه	۱۳۰۶ ^۳	۴۵. ابوالقاسم لاهوتی ^(۲۸)
کوهپا	۱۳۰۸	۴۶. حسین خان مسرور ^(۲۹)
تبریز	۱۳۰۸	۴۷. ابوالقاسم خان اعتصام زاده نیازی

→ صورتی که دکتر شفق که دیوان او را چاپ کرده سال ۱۳۰۰ هجری یعنی ۸۳-۱۸۸۲ میلادی را ذکر کرده است (رک: دیوان عارف، ص ۵۹).

۱. در اشعار اولیه خود لسان تخلص می کرد (رک: به مقاطع اشعار شماره ۲ و ۴ در صفحه های ۲۱ و ۲۳ پوران دخت نامه).

۲. برای دریافت چگونگی مرگ او رک: مقدمه (ص کد) دیوان فرخی (به همت حسین مکی) چاپ تهران، ۱۳۲۰ خورشیدی.

۳. صدرالدین عینی تاریخ تولد او را ۱۸۸۷/۱۳۰۶ نوشته است (رک: نمونه ادبیات تاجیک ص ۵۸۶)، یوتلس هم ۱۸۸۷ نوشته است (دائرة المعارف اسلامی، ۲، ص ۱۰۶۵).

تهران	۱۳۰۹	۴۸. موسی (معظم السلطنه) دولت
یزد	۱۳۰۹	۴۹. مهدی خان ملک حجازی قلزم
تهران	۱۳۰۹	۵۰. هادی خان حائری هادی
تبریز	۱۳۱۰	۵۱. علی اصغر خان حکمت ^(۳۰)
تبریز	۱۳۱۰	۵۲. صادق خان رضا زاده شفق ^(۳۱)
کرمان	۱۳۱۱	۵۳. علی رضا ابراهیمی دانش
مهرجرد	۱۳۱۱	۵۴. عبدالله خان یاسایی (یاسایی)
تهران	۱۳۱۲	۵۵. غلامحسین خان سرود
همدان	۱۳۱۲	۵۶. محمدرضا عشقی
یزد	۱۳۱۲	۵۷. عباس خان فوات ^(۳۲)
تهران	۱۳۱۳	۵۸. یحیی خان سمیعان ریحان
یزد	۱۳۱۳	۵۹. محمود خان افشار دکر ^(۳۳)
مشهد	۱۳۱۴	۶۰. محمد دانش بزرگ نیا دانش
کرمانشاه	۱۳۱۴	۶۱. غلام رضا خان رشید یاسمی (یاسمی) ^(۳۴)
تهران	۱۳۱۴	۶۲. غلام رضا خان روحانی
مشهد	۱۳۱۴	۶۳. سید محمد خان جوهری فروخ ^(۳۵)
گچو	۱۳۱۵	۶۴. عبدالرحمان فراموزی ^(۳۶)

۱. بنا به قول رشید یاسمی، حکمت در ۲۳ رمضان ۱۳۱۰ زاده شده است (ادبیات معاصر ص ۴۱).
 ۲. در سال ۱۹۳۰، در ابن بابویه (در جنوب خرابه های شهر ری) قبر شاعر را دیدم، نوشته زیر بر سنگ قبر او نقش شده بود:

«در مسلخ عشق جز نکو را نکشند
 لاغر صفتان زشت خو را نکشند
 گداز عاشق صادق ز کشتن مگریز
 مردار بود هر آن که او را نکشند^(۳۷)
 شهادت مرحوم میرزاده عشقی پنجشنبه آخر ذیقعد الحرام ۱۳۴۲ هجری»

مشهد	۱۳۱۶	۶۵. علی بزرگ‌نیا (صدرالتجار) صدر
تهران	۱۳۱۶	۶۶. محمد علی خان ناصح (۳۸)
شیراز	۱۳۱۷	۶۷. بهاء‌الدین خان حسام‌زاده
اصفهان	۱۳۱۷	۶۸. جلال‌الدین خان همایی سنا (۳۹)
بشرویه	۱۳۱۸	۶۹. بدیع الزمان فروزانفر (۴۰)
تهران	۱۳۱۸	۷۰. حسین خان بختیاری پژمان (۴۱)
اصفهان	۱۳۱۸	۷۱. سید حسین شجره یی‌نا
شیراز	۱۳۱۹	۷۲. لطفعلیخان صورنگر دکتر (۴۲)
تهران	۱۳۱۹	۷۳. نصرالله خان فلسفی (۴۳)
مشهد	۱۳۲۰	۷۴. محمد امین ادیب (۴۴)
خور	۱۳۲۰	۷۵. حبیب یغمایی حبیب (۴۵)
سرزمین بختیاری	۱۳۲۱	۷۶. عبدالحسین احمدی
تبریز	۱۳۲۳	۷۷. محمد حسین خان شهریار (۴۶)
تهران	۱۳۲۵	۷۸. سید صادق خان سرمد (۴۷)
تهران	۱۳۲۸	۷۹. پروین اعتصامی پروین

۱. ی. مار (Y. Marr) تاریخ تولد او را سه‌شنبه ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ / ۱۲ جولای ۱۹۰۴ ذکر کرده است. رک: به مقاله مار (به روسی) «وسایل امروزی حمل و نقل در شعر شاعران ایرانی» چاپ شده در یادنامه کنگره شرق‌شناسان (Mémoires du Comité des Orientalistes) در ۲۲ اگوست ۱۹۲۹، ص ۲۲۳.

۲. دینشاه ج ایرانی (سخنوران دوران پهلوی ص ۳۲۶) و رشید یاسمی (ادبیات معاصر، ص ۵۶) تاریخ تولد او را ۱۲۸۹ خورشیدی که مطابق است با ۱۳۲۹ هجری قمری و ۱۲-۱۹۱۱ میلادی، نوشته‌اند.

۳. سالار شیرازی، ماده تاریخ زیر را در وفات او گفته است:

تهران	۱۳۵۸	۱۳۲۸	۸۰. جهانگیر جلیلی (جلیلی)
تبریز		۱۳۲۸	۸۱. غلامعلی خان آذرخشی و عدی دکتر ^(۴۸)
تهران		۱۳۲۹	۸۲. نصرت‌الله خان کاسمی نصرت ^(۴۹)
تهران		دانسته نشد	۸۳. فصل بهارخانم (ایران‌الدوله) جنت

ب) شاعران برحسب تقسیم جغرافیایی:^(۵۰)

شماره شاعران در سیاهه پیش	تعداد شاعران	محل تولد
۹، ۱۹، ۲۵، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۴۱،	۲۰	تهران
۴۸، ۵۰، ۵۵، ۵۸، ۶۲، ۶۶، ۷۰،		
۷۳، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۲ و ۸۳		
		خراسان:
۲۸، ۳۹، ۴۲، ۶۰، ۶۳، ۶۵ و ۷۴	۷	مشهد
۶۹	۱	بشرویه
۷	۱	نیشابور
۲۴	۱	سبزوار
		اصفهان:
۱۰، ۶۸ و ۷۱	۳	اصفهان
۱۳	۱	ابرکو
۷۶	۱	سرزمین بختیاری
۲۷	۱	دستگرد

→ افسرده طبع سالار از سال رحلتش گفت
دیدنی‌کاز این جهان شد پروین اعتصامی
یعنی ۱۳۶۰

دولت آباد	۱	۸
کوهپا	۱	۴۶
آذربایجان:		
تبریز	۸	۳، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۴۷، ۵۲، ۷۷ و ۸۱
فارس:		
شیراز	۶	۵، ۱۴، ۳۶، ۵۱، ۶۷ و ۷۲
گچو	۱	۶۴
یزد:		
یزد		۴، ۴۴، ۴۹، ۵۷ و ۵۹
مهرجرد	۱	۵۴
عراق عجم:		
گرگان	۲	۲ و ۲۳
گازران	۱	۶
تفرش	۱	۱۲
رشت	۴	۱۱، ۲۰، ۲۲ و ۳۸
کرمانشاه	۳	۴، ۴۵، ۶۱
کرمان:		
کرمان	۲	۳۲ و ۵۳
تفت	۱	۱۵
کاشان:		
کاشان	۱	۴۳
اران	۲	۲۹
همدان	۲	۳۵ و ۵۶

۳۰	۱	جو شقان
۴۰	۱	توسرکان
۷۵	۱	خور

سیاهه فوق نشان می دهد که شاعرانی که در ایران متولد شده اند، هشتاد نفرند، سه نفر باقیمانده یکی ادیب (شماره ۱) است که بومی پیشاور اما عاشق ایران بود. دانش (شماره ۱۷) در استانبول زاده شد و هرگز در ایران نبود، اما نسب او ایرانی است و در حال حاضر وابسته سفارت ایران در آنکارا است. غمام (شماره ۱۸) اگرچه در نجف زاده شد از لحاظ نسب و ملیت و مسکن و کار، ایرانی الاصل است.

مشخصات آنان

شرح دقیق کارهای فرد فرد این شاعران غیر ممکن است. شعرهای منتخبی که نماینده اسلوب آنان باشد در گلچین من آمده است. در اینجا فقط مشخصات فردی آنان را ذکر می کنم.

۱- ادیب پیشاوری که اسمش در اول سیاهه زمانی آمد، شاعری دوزبانه است. محمدخان قزوینی او را با ابوالعلا معری (۱۰۵۷-۹۷۳ میلادی)^۱ مقایسه کرده است. اشعار او بسیار سنت گرایانه و پر از اصطلاحات مهجور است.

۲- رفائی مثل ادیب بک شاعر دوزبانه مکب سستی است، اشعار او سنگین، متصنع و به سبک کهن است.

۳- آنچه درباره دانش می توان گفت این است که از نمونه های کهن تقلید می کند. دو مثنوی به نام های طول عمر^۲ و آواز بزم صلح^۳ دارد. در سن ۸۷ سالگی درگذشت.

۱. محمدخان قزوینی، بیست مقاله، ج ۱، ص ۷، بهمنی ۱۹۲۸

۲. رکعت: به دیوان او: گهر خاوری، ص ۳۶ و ۵۶، استانبول

۳. این شعر که مشتمل بر ۵۳ بیت است به زبان ها فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، روسی، ایتالیایی،

۴- **شباب کرمانشاهی:** سوارکار و تیرانداز و روزنامه‌نویس بود. در استعمال لغت‌های گزیده و استفاده از فنون معانی و بیان استاد بود. در اشعار او، غالباً مهارت و استادی عجیبی به چشم می‌خورد. اشعار او که در شکرستان^۱ جمع آمده، نشان می‌دهد که با همه پیری دارای فکر و روح جوانی بوده است.

۵- **شوریده** با همه تعلق خاطر به اسلوب سستی، خود صاحب سبک است، از نظر حسن انتخاب لغت و بازی با واژه‌ها شاعر قابل توجهی است. حقیقه می‌توان ادعا کرد که او خلفی^(۵۱) از برای اهلی شیرازی^۲ است.

۶- **امیری** - یک روزنامه‌نگار برجسته و یکی دیگر از شاعران دوزبان‌گوی است. اشعار او نشان‌دهنده آموخته‌ها و فضل اوست. امیری یک سره‌خواه^۳ بی‌تعصب است و نیز هجاگویی تند که شاید بتوان او را در این رشته بعد از سوزنی^۴ از همه بزرگتر دانست.^(۵۲)

۷- **ادیب نیشابوری**، اگرچه به علت کوری گرفتار بود،^(۵۳) شاعر ذواللسانین استادی است نخست به شیوه قآنی می‌رفت اما بعدها به شیوه ترکستانی متمایل شد. از آنجا که نایبنا بوده شاعری خویشتن‌نگر است.

۸- **یحیی** بیشتر مقلد است تا یک نوآور. به خاطر کوشش‌هایی که در احیای اوزان

→ هلندی، اسپانیایی، سوئدی، لاتین، یونانی، ارمنی، ژاپنی، عربی و ترکی ترجمه شده است (رک: آواز بزم صلح لاهه، ۱۹۰۳، قسطنطنیه).

۱. چاپ اول آن در کرمانشاه به سال ۱۳۰۶ خورشیدی انجام پذیرفت.
۲. این شاعر برجسته اساساً در دوره شاه اسماعیل صفوی نشو و نما یافت، علاوه بر دیوان قصاید و غزلیات و معما و دیگر انواع اشعار استادانه، عمده اعتبار او به جهت دو مثنوی شمع و پروانه و سحر حلال است. یکی از قصاید بسیار مشهور او به علت تفسیر و شرحی که ملا جامی بر آن نوشته، اعتباری یافته است.^(۵۴) به سال ۹۴۲ هجری قمری مطابق با ماده تاریخ «پادشاه شعرا بود اهلی» وفات یافته است. ۳. به این معنی که به فارسی خالی از عربی می‌نویسد.

۴. متوفی در ۵۶۹ هجری / ۷۴-۱۱۷۳ میلادی

هجایی در شعر فارسی کرده، قابل توجه است. اشعار بسیاری از شاعران فرانسه را به فارسی برگردانده است.^۱

۹- محتشم السلطنه، چندین بار رئیس مجلس بود تعداد کمی غزل دارد. بیشتر به خاطر فعالیت‌های سیاسی مشهور است تا ادبی. همچنین به خاطر ریاست کنگره تاریخی شرق‌شناسان که در جشن هزاره فردوسی به سال ۱۳۵۵ هجری / ۱۹۳۴ م در تهران منعقد شد، مشهور است.

۱۰- عبرت که یکی از شاعران ثابت‌قدم مکتب سنتی است به سبب تمایلات صوفیانه^(۵۵) مشهور است. وزن و قافیه اشعارش بسیار دقیق و صحیح است.

۱۱- اشرف شاعری آگاه و الهام‌بخش است. اشعار او به خاطر سلاست و روانی و حال و هوایی که از آزادی و پیشرفت دارند قابل دقت است.

۱۲- دانش تهرانی که در قصیده‌سرایی به اسلوب کهن استاد است و در دو شیوه شعر یعنی جد و هزل مهارتی یکسان دارد. «دیوان حکیم سوری» او که پر از لغات طباحی است خواننده را به یاد بسحاق اطعمه می‌اندازد.

۱۳- کمالی که پدرش او را به شاگردی در دکان آهنگری گماشته بود، مرد خودآموخته‌یی است. در مقام یک شاعر در بین معاصران^۲ خود از احترام خاصی برخوردار بود. اگرچه پوینده مکاتب شعری فارس و عراق بود اما به سبک هندی هم بی‌اعتنایی نکرد.

۱. مثلاً Christine (از لکنت دو لیل Le loup et Le jeune Mouton (Leconte de Lisle) (از فنه لن La Mort des Rois (Fénelon) (از ادمون هارن‌کور Le Vase brisé (Edmond Harancourt) (از سولی پرو دوم La Jeun captive (Sully Prudhomme) (از آندره دوشینه André de Chénier) امیری او را چنین می‌ستاید:

ابوالکمال کمالی خدایگان سخن
اگر نه کلک تو طرح سخن درافکندی
به پیکر قلمت جای کرده جان سخن
بر اوفتادی ازین مملکت نشان سخن

(دیوان امیری، ص ۴۳۵، تهران ۱۳۱۲ خورشیدی (۱۹۳۴-۳۵ میلادی).

۱۴- شعاع در سرودن قطعه و قصیده به شیوه قدما شاعر لایقی است (هرچند ملانقطی است). او در نظم ماده تاریخ هم ماهر است.

۱۵- آیتی که یک بهایی مرتد است چیز بخصوصی جز ایجاد قالب شعری ثلاثی و سره نویسی ندارد.

کواکب الدریه فی مآثر البهائیه^۱ در دفاع و کشف الحیل^۲ در رد بهائیت از آثار مهم اوست.

۱۶- ایرج میرزای شاهزاده در بین شاعران جدید ایران، شخصیت مهمی است. اشعار او ساده، روان و لطیف است و لغات متداول و ساده‌یی دارد. دیوان ایرج به جهت اشعار رکبیک و هجویات و نیز به جهت آزادفکری او تکفیر و تخطئه شده بود.

از تدفین جنازه او نیز مانند فردوسی در قبرستان مسلمین ممانعت به عمل آمد.^۳

۱۷- دانش اصفهانی، سبک او واضح و ساده و دارای قالب سستی و اندیشه رومانیک

۱. این کتاب دو جلد است و در منشأ و انتشار بهائیت بحث می‌کند. در سال ۱۹۱۳ در مصر چاپ شد.

۲. کشف الحیل، سه جلد، در آن حمله سختی به بهائیت کرده است.

۳. گور ایرج کنار جاده شمیران در شمال تجریش قرار دارد. این شعر را که خود شاعر سروده است بر روی سنگ قبر او دیدم:

ای نکویان که در این دنیا آید	یا ازین بعد به دنیا آید
این که خفته است در این خاک منم	ایرجم ایرج شیرین سخنم
مدفن عشق جهان است اینجا	یک جهان عشق نهان است اینجا
هر کرا روی خوش و موی نکوست	مرده و زنده من عاشق اوست
من همانم که در ایام حیات	بی شما صرف نکردم اوقات
بعد چون رخت ز دنیا بستم	باز در راه شما بنشستم
گرچه امروز به خاکم مأواست	چشم من باز به دنبال شماست
بنشینید بر این خاک دمی	بگذارید به خاکم قدمی
گاهی از من به سخن یاد کنید	در دل خاک دلم شاد کنید

است. اگر چه شعری که دربارهٔ زردشت^۱ سروده مالا مال از احساسات و وطن پرستانه است، اما او هرگز ایران را ندیده است.^(۵۶)

۱۸- غمام بیشتر غزل می گوید که به جهت سادگی و بی تکلفی قابل ذکرند.

۱۹- وثوق که مدتی نخست وزیر بود و مسؤول معاهدهٔ عقیم انگلیس و ایران در سال

۱۹۱۹ است، پیرو شاعران استاد قدیم است. به جهت خوش ساختی و استحکامی که در اشعار اوست شهرت دارد. اشعارش متضمن مضامین اجتماعی و فلسفی است.

۲۰- عطا که چندین بار وزیر بود پیرو سبک عراقی است. شعر «پیام کوه^۲»ش به سبب

تخیل قوی و لغات برگزیده و فکر عالی بی که در آن است شاهکاری محسوب می شود.

۲۱- گرامی تبریزی: شاعری سنتی است.

۲۲- محمد کسمایی^(۵۷) برادر کوچکتر حسین کسمایی، جنگلی مشهور است.^۳ به جهت

اشعار خوبی که به زبان مادریش گیلکی سروده قابل ذکر است. به فارسی هم شعرهای خوبی دارد، به سبب دفاع از حقوق زنان مشهور است.

۲۳- عبدالعظیم خان مَورکانی نقّاد و ادیب است، اما در امور میهنی کم می نویسد. در

مقام یک فرهنگی کهنه کار تمام زندگیش را مصروف احیای زبان و ادبیات فارسی کرده است.

۲۴- شاهزاده افسر، نایب رئیس مجلس و رئیس انجمن ادبی ایران بود. اشکال شعری

پنجگانه و ششگانه را ابداع کرد.^۴ به جهت اشعار کوتاه تعلیمی خود که در آن ها رگه یی از

۱. زردشت نامه، استانبول، ۱۹۱۸ و نیز سخن، ج ۲، ص ۲۴-۱۲۱

۲. سخنوران دوران پهلوی، ص ۲۷-۱۹

۳. حسین کسمایی (۱۸۷۱-۱۹۲۰ میلادی / ۱۲۸۸-۱۳۳۹ هجری) از ملّی گرایان تند بود. هنگامی که نهضت میرزا کوچک خان پا گرفت، از اروپا به ایران آمد و به نهضت پیوست و سردیر

روزنامهٔ «جنگل» نشریهٔ رسمی نهضت گردید. از این نشریه فقط ۹ شماره انتشار یافت.

۴. رک: سخن، ج ۲، ۴۷-۴۶

مزاح دیده می‌شود، قابل ذکر است.

۲۵- آثار شعری دهخدا نسبت به آثار نثری او کم است. مرثیه‌اش درباره میرزا جهانگیرخان شیرازی شاهکاری از تخیل و رقت است. هم‌چنین به جهت مقالات طنزآمیزی که در صور اسرافیل می‌نوشت یعنی چرند و پرند، مشهور است. شاهکار ادبی او کتاب «امثال و حکم»^۱ است که نمونه‌یی از تبحر و استادی و فضل اوست. به عقیده براون^۲ او استحقاق این را دارد که اولین ردیف را در بین ادبای ایران اشغال کند.^۳

۲۶- درباره ادیب آزاد چیز بخصوصی نمی‌توان گفت مگر این که غزلیات و مثنویات او شیرین و لطیف است.

۲۷- وحید به جهت تنوع اشعارش قابل ستایش است. عاشق نظامی گنجوی است. اشعار کوتاه او راه گشا، تعلیمی و دارای لحن غمگینی است. سردبیر ارمغان^۴ و مؤسس انجمن ادبی تهران است. (مؤسس به سال ۱۳۳۹ هجری / ۲۱-۱۹۲۰ میلادی).

۲۸- نادری شاعر پرکاری است اما استعداد برجسته‌یی ندارد. مثنوی طویل او به نام تاریخ نادرشاه، شکوه جدش نادرشاه را مغلّد خواهد کرد.^۵ اگرچه شاهزاده است زندگی ساده زاهدانه‌یی دارد.

۲۹- بیضایی شاعر ناامید بدبینی است.

۳۰- یکتا شاعر مکتب قدماست اما اشعار او همانند خاتم کاری است. تشبیهات و

۱. درباره امثال و حکم فارسی است و نمونه‌هایی از آثار شاعران و نویسندگان مشهور دارد. مطبوع سال ۵۰-۱۳۴۹ هجری در تهران.

۲. تاریخ ادبیات براون، ج ۴، ص ۴۸۲

۳. بیشتر مندرجات این ماهنامه، شعر و انتقاد است. وحید این مجله را با کمال موفقیت و قدرت از سال ۱۹۲۰ (بهمن ۱۲۹۸) منتشر کرده است. در این مجله مقالات قابل توجهی از خود او هم دیده می‌شود.

۴. این شعر بنا به تقاضای ملک الشعراء بهار گفته شد. وزن آن، وزنی است که خاقانی در تحفة العراقین به کار برده است.

- استعارات او بی نقص و استادانه است. امیری استعداد شاعرانه او را ستوده است.^۱
- ۳۱- عارف بنا به عقیده ایرج بیشتر یک تصنیف ساز است تا یک شاعر.^۲ استقلال روح سرکش او از خلال سروده هایش متجلی است. او را باید شاعر وطن پرست دوران مشروطیت ایران دانست. روحیه آزادی پرستانه زمانه و عشق بیدار شده به آزادی، از لابلای اشعار او مترنم است. او نتوانست چاپلوسی و لفاظی و ریاکاری را تحمل کند. (۵۸)
- ۳۲- دهقان زیاد شعر ندارد. طرفداری از اتحاد مسلمانان و کشورهای آسیایی در شعر هدیه شرق^۳ او دیده می شود.
- ۳۳- فروغی مرد ادیبی است و سبک قدما را تتبع می کند. «شیدوش و ناهید»^۴ تراژدی بی است که بر مبنای یک روایت افسانه‌یی ساخته شده است. این شعر شایستگی او را نشان می دهد.
- ۳۴- اهمیت اصلی فرهنگ در آوردن قافیه های متناوب (یک در میان) است.^۵ وطن پرستی از مشخصات اشعار اوست.
- ۳۵- آزاد برای آهنگ زیبا و مضامین صوفیانه غزلیاتش قابل توجه است.
- ۳۶- سالار، رئیس انجمن ادبی شیراز، دارای تمایلات انگلیسی است. در غزل به همان راه متعارف معمول می رود.
- ۳۷- بینش، مقام شعری او بالاتر از آن است که مورد انتقاد قرار گیرد. دارای

۱. چامه من پیش گفتارت بدان ماند که کس
چون فراوان آزمودم دیدمت با دار و برد
دانش از گفت تو در گوش اندر آرد گوشوار
در سپهر آرد ستاره در بهشت آرد گیا
در سخن جادو کنی و ز خامه داری کیمیا
بینش از کلک تو اندر دیده دارد توتیا
(دیوان کامل امیری، ص ۲۳، تهران ۱۳۱۲ خورشیدی).

۲. تو آهویی مکن جانا گرازی
تو شاعر نیستی تصنیف سازی
(دیوان ایرج، ۲، ص ۴۸، تهران، ۱۳۰۹ خورشیدی، سخن، ج ۱، ص ۱۴، حاشیه ۳)

۳. رک: هدیه شرق، چاپ مشهد در سال ۱۳۰۰ خورشیدی و نیز سخن، ج ۲، ص ۷۱-۱۶۹

۴. در سال ۱۳۴۰ هجری در تهران به چاپ سنگی رسید. ۵. سخن، ج ۱، ص ۴۰-۳۳۷

قریحه‌یی شوخ و استعدادی از برای نقیضه‌پردازی (Parody) است. این عمل را با تضمین انجام می‌دهد.

۳۸- اشعار پورداود اغلب پهلوانی و رمانتیک است و بی‌شک مهلم از روحیه وطن‌پرستی فردوسی. اشعار او ساده و روان و گیرا و حاوی تمایلات زردشتی است. او از طرفداران پروپاقرص سره‌گرایی است.^۱

۳۹- بهار از طرفداران جدی مشروطیت و رئیس انجمن ملی خراسان بود. نماینده تمام‌عیار شعر جدید فارسی است، هم از نظر اشکال صوری و هم از نظر عمق مضامین و مفاهیم و در این مجال مردی سلیم و میانه‌رو است. معنی اشعار او نشان‌دهنده تعادلی ظریف بین احساسات ملی، اندیشه‌های سیاسی و انعکاسات فردی است. همکاری‌های او با مطبوعات از قبیل نوبهار، تازه‌بهار و دانشکده که زیر نظر خود او منتشر می‌شدند قابل ذکر است.

۴۰- مایل شاعر خوبی است هر چند مشخصه مهمی ندارد. روزنامه‌های ستاره ایران و شفق سرخ را که هر دو هم‌اکنون تعطیل هستند، با موفقیت انتشار می‌داد.

۴۱- اورنگ شاعر خوبی است اما بیشتر راوی و حافظ اشعار دیگران است. بدین ترتیب عجیب نیست اگر در یک مناظره ادبی، برتری خود را به رقبای خویش ثابت کرده باشد.^۲

۴۲- بامداد در همه انواع شعر وارد شده اما در هیچکدام به تبحر قابل ذکری نرسیده است.

۴۳- نظام‌وفا شاعر اسلوب کهن است و بدین ترتیب می‌توان گفت کاش هنرش معادل افکارش بود.

۱. محمدخان قزوینی: بیست مقاله قزوینی، ج ۱، ص ۱۶، بمبئی، ۱۹۲۸

۲. جایزه اول مسابقه‌یی را که به مناسبت هزاره فردوسی در ۱۳۵۳ هجری قمری / ۱۹۳۴ میلادی به همت انجمن ادبی تهران ترتیب یافته بود، برد.

۴۴- فرخی شاید بهترین بدیهه پرداز عصر خویش باشد. او در کشورش، به خاطر تمایلات کمونیستی بی که دارد مشهور است.

۴۵- لاهوتی از نظر افکار شاعر فوق مدرنی است. دارای کیش کمونیستی و بیانی آتشین است. این گونه افکار کمونیستی او در دو شعر کرمل (کرملین)^۱ و انقلاب سرخ^۲ به خوبی متجلی شده است. با موفقیت در اشکال جدید شعر فارسی کوشش هایی کرده است.^۳

۴۶- شهرت شعری مسرور رو به ازدیاد است. او در موضوعات هزلی و جدی، با قدرتی متساوی شعر می گوید. شعری را که درباره کتیبه های تخت جمشید سروده مبین استعداد او است.^۴

۴۷- فیازی به زبان فرانسه، شعرهای بهتری دارد تا به زبان فارسی. با ترجمه منظومی که از رباعیات خیام^۵ به زبان فرانسه کرده است نظر دانشمندان فرانسوی را به خود جلب کرد.

۴۸- دولت غزلسرای معتدل و میانه روی است.

۴۹- قلمزم که به اسلوب قدما اما با مضامین جدید شعر می گوید، به خاطر «هفتاد موج»^۶ش مشهور است. ظاهر این شعر به «استدلایه»، میروانعم اصفهانی شاعر بهایی،

۱. صدرالدین عینی: نمونه ادبیات تاجیک، ص ۹۳-۵۸۷، مسکو، ۱۹۲۶

۲. همان، ص ۹۴-۵۹۳ ۳. سخن، ۲، ص ۱۲-۳۱۱

۴. در عملیات اکتشافی بی که توسط گروه اکتشافی آلمانیان تحت نظر هرتسفلد (Herzfeld) در تخت جمشید به عمل آمد، دو لوح سه زبانه به سال ۱۳۵۲ هجری / ۳۴-۱۹۳۳ میلادی به دست آمد. محقق شد که الواح مزبور متعلق به داریوش و مربوط به سال ۵۱۵ قبل از میلاد هستند. انجمن ادبی تهران برای بهترین شعری که درباره این الواح سروده شود ۲۰ سکه پهلوی، جایزه مقرر کرد. ۵۰ شاعر اشعار خود را ارسال داشتند. داوری و انتخاب برعهده آقایان حکمت وزیر معارف و حاج سید نصرالله تقوی بود، شعر مسرور برنده شناخته شد و جایزه به او تعلق گرفت.

۵. چاپ پاریس، ۱۹۳۴

۶. چاپ برلن، ۱۳۴۸ هجری / ۱۹۲۹ میلادی

شبيه است.^۱

۵۰- هادی غزل‌های عالی‌بی می‌گوید که سرشار از افکار فلسفی و عرفانی است. «خزانیه»^۲ او که او به پارسی سره و کاملاً به اسلوب قدما سروده شده است، مبین شایستگی او است.

۵۱- حکمت که زمانی وزیر معارف بود در سرودن مثنوی‌های اندرزی و آموزشی ماهر است.

۵۲- دکتر شفق بیشتر نثرنویس است تا شاعر. اشعار او از قبیل «به یاد پدرم»^۳ و «به یاد برادرم»^۴ سرشار از شور و حال است، در حالی که «زندگی»^۵ و «تصوف»^۶ دارای افکار صوفیانه است.

۵۳- دانش کرمانی که به اسلوب قدما شعر می‌گوید دارای غزل‌های ساده و تعلیمی است.

۵۴- یاسایی در سیاست نقش عمده‌تری دارد تا در شعر.

۵۵- سرود اگرچه یک نظامی است اما در انواع شعر به اسلوب قدما متبحر است.

۵۶- عشقی را می‌توان معلم و رهبر نهضت ایران جدید خواند. دو شعر ایده‌آل عشقی^۷ و رستاخیز^۸ مقام او را برجسته کرده است. چون مضامین، عالی، پرشور و

۱. نعیم مردی تهیدست بود و تعلیم و تربیتی ندیده بود.^(۵۹) به جز در میان هم‌مذهبان که قدرت شعری او را هدیه‌یی آسمانی می‌دانند چندان شهرتی ندارد. اشعار او نیمی به فارسی و نیمی به عربی است. در سال ۱۲۷۲ هجری / ۱۸۵۵-۵۶ میلادی متولد شد و در ۱۳۲۸ هجری / ۱۹۱۰-۱۱ میلادی درگذشت. ۲. سخن، ۲، ص ۱۳-۴۱۱

۳. سخن، ۲، ص ۴۵-۲۴۴ و هم‌چنین ایرانشهر، سال چهارم، ص ۱۱-۱۰

۴. سخن، ۲، ص ۴۴-۲۴۲ و هم‌چنین گل‌های ادب تألیف سعادت نوری، ص ۱۰۲-۹۹، تهران، ۱۳۱۲ خورشیدی

۵. سخن، ج ۲، ص ۲۴۶. هم‌چنین ایرانشهر، سال چهارم، ص ۳۹۴

۶. سخن، ج ۲. هم‌چنین ایرانشهر، سال دوم، ص ۸-۵۰۷

۷. دیوان عشقی، ص ۴۶-۷۹، تهران، ۱۳۰۸ هجری شمسی

۸. همان، ص ۲۳-۲۲

پرکشش است بعضی از نقایص تصادفی در لغت و وزن را نباید چندان مهم تلقی کرد. او نه تنها یک شاعر معروف بلکه یک تصنیف ساز هم بود. عشقی زندگیش را بر سر صداقت و صمیمیتش در ابراز افکار افراطی جمهوری خواهانه^(۱) گذاشت. با وجود مرگ زودرس شایسته است او را یکی از بهترین شاعران ایران جدید تلقی کنیم.

۵۷- فوات به جهت قطعات و غزلیاتش مشهور است. در یکی از غزل هایش به اشعار مصنوعی مرسوم انتقاد بجایی کرده آن ها را مخالف ذوق روزگار دانسته است.^۲

۵۸- اشعار ریحان فکورانه و جذاب است. بعد از این که یک شب در دیوانه خانه یی محبوس می شود از افکار کمونیستی دست می کشد. قریب به چهار سال با موفقیت «گل های زرد» را انتشار داد.

۵۹- دکتر محمودخان افشار سردیر مشهور «آینده» چند شعر لذت بخش احساساتی دارد. عقاید او درباره کشف حجاب محافظه کارانه است. رساله دکتری او «سیاست اروپائیان در ایران» (La Politique Européenne En perse)^۳ مطالعه جالبی درباره دسایس اروپائیان در ایران است.

۶۰- اشعار دانش خراسانی متضمن عقاید آزادی خواهانه و مترقی یی است که خصوصاً بر مسأله فرهنگ و آزادی زنان تکیه دارد. طرفداری او از آزادی زنان، از شعر «هدیه دانش به دختران امروز و مادران فردا»^۴ معلوم می شود.

۶۱- رشید یاسمی که عشق و احساسش نسبت به طبیعت، برانگیخته حسب و نسب گورانی اوست. از جهت نظم داستان ها و تمثیل های آموزشی ادبیات اروپا قابل ذکر است.

۱. شاعر خود مرگ غیرطبیعی خود را پیش بینی کرد:

من آن نیم به مرگ طبیعی بمیرم این
یک کاسه خون به بستر راحت هدر کنم

۲. رک: سخنوران دوران پهلوی، ص ۸-۵۰۷

۳. چاپ برلین، ۱۹۲۱

۴. چاپ مشهد، ۱۳۱۴ هجری شمسی و هم چنین سخن، ج ۲، ص ۳۹-۱۳۵

۶۲- در شوخی و مزاح کسی نمی‌تواند بر روحانی تفوق یابد. او به استهزای آداب و نقاط ضعف اخلاقی جامعه جدید ایرانی پرداخت. اشعار طنز او در باب مسائل جاری جاذبه جهانی دارد.

۶۳- فزخ شاعری است که از خراسان برخاسته. قصیده او فتح دهلی^۱ که درباره فتح دهلی توسط نادرشاه سروده شده است، کار قابل توجهی است.

۶۴- فواموزی سردبیر مجله ماهانه «تقدم» است. عمده اشعار او غزل و مثنوی است. اگرچه کم می‌گوید اما استادانه می‌گوید.

۶۵- صدر در غزل‌ها و قصایدش هوشمندانه در مضامین جدیدی چون غرور ملی^۲ و کار و کوشش^۳ بحث می‌کند.

۶۶- سبک غزلیات و قصاید ناصح پیش‌پاافتاده و کهنه است. اما رباعیات او دارای مضامین خوبی است. اشعار او را در روانی می‌توان با عبوت مقایسه کرد.

۶۷- اشعار شاد و روح‌دار حسام‌زاده^۴ در بین پیش‌آهنگان ایران مشهور است. او یکی از چند شاعر معدودی است که قوافی متناوب را در شعر فارسی به وجود آورده است.^۵

۶۸- سنا اگرچه به اسلوب قدیم می‌گوید اما خوب می‌گوید. کار اصلی او غزل و رباعی است.

۱. این شعر در آینده چاپ شده است. سردبیر آینده شاعران را ترغیب کرد که درباره فتوحات نادرشاه خاصه فتح دهلی و غنائیم حاصله از آن، اشعاری بگویند. مقرر شد که به بهترین شعری که مطابق با شرایط مذکور در آینده، سروده شود، جایزه‌یی تعلق گیرد. برحسب این تقاضا، شاعران ممتازی چون بهار، صورتگر، نادری و دیگران اشعاری گفتند که همه در آینده چاپ شده است. (رک: آینده، ۲، ص ۴۸۸، ۷۴-۵۷۱، ۵۹-۷۵۸، ۵۵-۸۴ و ۹۰۴-۸۹۵).

۲. سخن، ج ۲، ص ۲۶۱ ۳. همان، ص ۲۶۱-۲۶۲

۴. سخن، ج ۱، ص ۷۷-۸ و هم‌چنین سخنوران دوران پهلوی، ۳۱-۲۲۷

۵. سخن، ۱، ۳-۷۱، و هم‌چنین سخنوران دوران پهلوی، ص ۳۴-۲۳۲

۶۹- بدیع الزمان به سبک ترکستانی می گوید. مضامین اشعار گزارش گذران^۱ که درباره حمله سخت یونانیان به سرکردگی اسکندر کبیر به ایران است و راه آهن^۲ و ایران دیروز ایران فردا^۳ حاکی از این است که او دارای ذهنی رمانتیک بوده و با اندیشه های نوین و تحولات اجتماعی مخالف نیست.

۷۰- ذوق احساساتی پژمان بختیاری عمیق و فردی است، «قبر من»^۴ نشان می دهد که زندگی اندوهناکی دارد.

۷۱- شهرت مینا بیشتر به خاطر نثر اوست تا شعرش، در شعر مضامین جدیدی از قبیل پروانه و چراغ برق^۵ و «طیاره و عقاب»^۶ وارد کرده است.

۷۲- «کنار تخت جمشید»^۷ و «زیر آسمان باختر»^۸ از بهترین اشعار دکتر صورتگرند. اولی به سبک بومی ستی و دیگری بعد از اقامت در انگلستان و آشنایی با شعر انگلیسی به شیوه جدید سروده شده است.

۷۳- شهرت فلسفی به جهت ترجمه هایی است که از ویکتور هوگو و لامارتین به عمل آورده است. هنوز جوان است و برای کسب شهرت شاعری فرصت دارد.

۷۴- ادیب طوسی شاعر غزل و قصیده های اندرزی و آموزشی است: پرده سینما، ایده آل کودکی.^{۱۰}

۱. سخنوران دوران پهلوی، ص ۹۴-۱۸۷

۲. سخن، ج ۱، ص ۳۳-۳۴. سخنوران دوران پهلوی، ص ۸۶-۱۸۴

۳. سخن، ج ۱، ص ۳۵-۳۷. سخنوران دوران پهلوی، ص ۸۴-۱۷۸

۴. سخن، ج ۲، ص ۱۰۳. همان، ج ۲، ص ۲۲-۲۲۱

۵. همان، ج ۲، ص ۲۲۲-۲۲۳

۶. سخن، ج ۲، ص ۶۵-۲۶۴ هم چنین مجله هفتگی نوبهار، ص ۴۷۴، شماره ۲۷، ۱۳۴۱ هجری قمری

۷. سخن، ج ۲، ص ۷۰-۲۶۵ هم چنین مجله ماهانه مهر شماره ۱۱-۹ سال دوم

۸. سخن، ج ۲، ص ۲۷-۲۸. همان، ص ۲۹-۳۰

۷۵- حبیب یغمایی اشعار کمی گفته است اما شعرهایش به جهت استقلاللی که دارند ارزشمند و قابل توجه‌اند.

۷۶- احمدی بختیاری با موفقیت از قوافی متناوب، تحت تأثیر غرب، استفاده کرده است.^۱

۷۷- شهریار دارای بصیرت و بینش تیز یک شاعر است. شعرهای او به لحاظ روانی وزن، لغات و اصطلاحات برگزیده ممتاز است. شعرهایی از قبیل روح پروانه^۲، ای زن^۳ و دخت داریوش^۴، پر از شور و حال و احساس است.

۷۸- سرمد شاعر جوان خوش آتیه‌یی است که انقلاب علیه محافظه‌کاران و سنت‌گرایان شعر پارسی را رهبری کرده است. او بهترین مفسر روح جدید عصر است. در همه انواع شعر تمرین و ممارست کرده و گاه به رقابت اسلوب ایوج میوزا برخاسته است. بنفشه^۵، آینه فلک^۶ و سخن^۷ از اشعار او هستند.

۷۹- پروین اعتصامی شاعری فاضل و اندیشه‌مند و موفق است که تنها «سفر اشک»^۸ او به قول بهار^۹ کافی است تا از برای او در میان شاعران جای ممتازی در نظر گرفته شود.

۸۰- جلیلی در نثر بیشتر مشهور است تا در شعر.

۱. همان، ص ۱۹-۱۵

۲. سخن، ۲، ص ۵۰-۲۴۸.

پروانه دختر آوازه‌خوان محبوبی بود که صدایی فریبا و خوش داشت. موسیقی‌دان بود. در سال ۱۳۴۷ هجری قمری / ۱۹۲۸ میلادی بر اثر سل درگذشت.

پژمان تاریخ مرگ او را چنین گفته است: وای پروانه سوخت.

۳. دیوان شهریار، ص ۲۸، تهران، ۱۳۱۰ هجری شمسی، هم‌چنین سخن، ۲، ص ۲۵۴

۴. سخن، ۲، ص ۵۷، ۲۵۶

۵. همان، ص ۹۷-۱۹۵

۶. همان، ص ۲۰۰-۱۹۸

۷. همان، ص ۲۰۶

۸. همان، ص ۹۴-۹۳، هم‌چنین دیوان پروین، ص ۱۳۳، تهران، ۱۳۵۴ هجری قمری

۹. دیوان پروین (مقدمه بهار ص ز) تهران، ۱۳۵۴ هجری قمری

۸۱- رعدی آدرخشی شاعر جوان خوش آتیه‌یی است. مضامین خوبی را با زبان ساده

بیان می‌کند.

۸۲- نصرت نیز که متعلق به نسل جوان تری است دارای استعداد خوبی است.

۸۳- جنت، شاعره‌یی که غزلیات خود را به تقلید از اساتید گذشته می‌گوید، شاهزاده

است.^۱ در نقاشی شاگرد کمال‌الملک^۲ مشهور است. اسم او در آخر سیاهه آمد زیرا تاریخ تولد او دانسته نیست.

* می‌توان به سیاهه فوق اسامی زیر را هم افزود:

ابوالحسن خان جلوه (۱۳۱۴-۱۲۳۸ هجری قمری / ۱۸۲۲-۹۶ میلادی). محمدباقر میرزا

خسروی (۱۳۳۸-۱۲۶۶ هجری قمری / ۱۹۱۱-۱۸۵۰ میلادی). آقاخان کرمانی

(۱۳۱۴-۱۲۷۰ هجری قمری / ۱۸۵۳ میلادی). میرزا نصیرالدین فرصت (۱۳۳۹-۱۲۷۱

هجری قمری / ۱۹۲۰-۱۸۵۴ میلادی). ابونصر فتح‌الله خان شیبانی (متوفی ۱۳۰۸ هجری قمری / ۱۸۹۰-۹۱ میلادی).

شیخ رئیس ابوالحسن خان میرزای قاجار حیرت^(۱) و میرزا حبیب اصفهانی. جلوه و شیبانی قبل از انقلاب مردند. خسروی، فرصت و حیرت تقریباً متعلق به دسته پیران هستند. آقاخان کرمانی و حبیب اصفهانی بیشتر به جهت نثرهای شجاعانه و نیرومند خود، معروفند.

در کنار این شاعران، شاعران خوش آتیه‌یی هم هستند که در تذکره‌های مختلف نام آنان آمده است. مثل «منتخبات آثار» تألیف محمدضیاء هشتروddی، «سخنوران دوران پهلوی» تألیف دج. ایوانی، «ادبیات معاصر» تألیف رشید یاسمی و «گل‌های ادب» تألیف حسن خان سعادت نوری

۱. دختر شاهزاده سلطان حسین میرزا نیرالدوله نوه فتحعلی‌شاه است. مادر او دختر حاج فرهاد میرزا

معتمدالدوله پسر عباس میرزای ولیعهد - بزرگترین و مقبول‌ترین پسر فتحعلی‌شاه - است.

۲. محمدخان غفاری ملقب به کمال‌الملک (متولد ۱۲۶۴ هجری قمری / ۱۸۴۷-۴۸ میلادی) نقاش شهیری است. نقاشی‌های او به قیمت گزافی در اروپا فروخته می‌شود و زینت دیوارهای قصر شاه و مجلس است.

وقتی که مدرسه صنایع مستظرفه در سال ۱۳۲۹ هجری قمری / ۱۹۱۱ میلادی تأسیس شد، به ریاست آن انتخاب گردید و در سال ۱۳۴۶ هجری قمری / ۱۹۲۷ میلادی بازنشسته شد.

این بود یک مرور مختصر در مشخصات شاعران و شاعره‌های جوان ایران. تمام اینان فرزندان یک آب و خاک و متعلق به یک عصر هستند. ممکن است نسبت به قبول عقاید جدید و اصول پیشرفت، در درجات مختلفی باشند، اما هیچ کدام از آنان را نمی توان به سادگی با شاعران عهد قدیم اشتباه کرد!

توضیحات مترجم

(۱) صادق خان (ادیب الممالک) امیری

«در همه مأخذ، تاریخ وفات ادیب الممالک سال ۱۳۳۶ ه. ق ضبط شده ولی مسلماً قول محمد قزوینی که تاریخ وفات او را با قید تاریخ روز و ماه و مدت عمر، سال ۱۳۳۵ ه. ق ذکر کرده درست تر است.

رجوع شود به یادداشت‌های علامه قزوینی، مجله یادگار، سال ۳، شماره ۳، آبان ۱۳۵۵ ش. نقل از ج ۲ از صبا تا نیما ص ۱۴۸

(۲) کاثران

آقای آرین پور به کاف فارسی کاثران نوشته‌اند از توابع اراک. رک: ص ۱۳۷، ج ۲، از صبا تا نیما

(۳) عبرت

عبرت نائینی غزل‌های عارفانه می‌سرود. خطی خوش داشت و زندگی او از استساخ کتب می‌گذشت. در ۱۳۲۱ هجری شمسی در تهران درگذشت.

(۴) سید اشرف‌الدین اشرف

آقای یحیی آرین پور در از صبا تا نیما محل تولد او را قزوین نوشته‌اند.

(۵) تقی‌خان دانش

«ولادتش در سنه ۱۲۴۰ و وفاتش به سال ۱۳۲۶ شمسی اتفاق افتاد.»

مقدمه جلال‌الدین همایی بر دیوان او، ص ج

اشعار استادانه‌یی به طرز قدما دارد. «دیوان حکیم سوری» سروده اوست.

دیوان «قصائد - هزار غزل - مقطعات» او تحت شماره ۴۸۷ جزو انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷ چاپ شده است.

(۶) حیدرعلی کمالی (تولد: ۱۲۸۹ قمری در ابرقو، وفات: آبان ماه ۱۳۰۵ شمسی)

رک: سخنوران نامی معاصر، تألیف سید محمدباقر برقی از انتشارات امیرکبیر.

در فرهنگ معین هم تولد او سال ۱۲۸۸ ه.ق ذکر شده است.

(۷) شعاع

میرزا محمدحسین بن حاجی ابوالحسن شیرازی

ولادت: ۱۲۷۶ ه.ق فوت: ۱۳۶۳ ه.ق / ۱۳۲۳ ه.ش (فرهنگ معین) بدین ترتیب در تاریخ

ولادت او سیزده سال اختلاف است! اما احتمالاً مراد ۱۲۸۶ بوده است.

(۸) آیتی یزدی

میرزا عبدالحسین پسر حاج شیخ محمد یزدی (معروف به حاجی آخوند) در سال ۱۲۸۷ ه.ش

در تفت از توابع یزد در خاندانی مذهبی زاده شد. پدرش روحانی بود، لذا عبدالحسین بعد از

مرگ پدر در بیست و پنج سالگی به جای او پیش نماز مسجد شد. در سی سالگی بهایی گشت اما

بعد از مرگ عبدالبها عباس از آن آیین برگشت و علیه بهائیت آثاری منتشر کرد. آیتی پس از

سفرهایی در اروپا و مصر سرانجام در تهران سکونت گزید و به خدمت فرهنگ درآمد و در

مدارس متوسطه تدریس کرد. آیتی از آغاز به شعر و شاعری علاقه داشت و پدرش به او تخلص

ضیایی داده بود. در ایام جهانگردی اشعار خود را با تخلص آواره منتشر می کرد و پس از سکونت

در تهران تخلص آیتی را برگزید. آیتی در ۱۳۳۲ هجری شمسی درگذشت.

آیتی کوشش هایی در زمینه سره نویسی داشت و به طوری که از فصل چهارم رساله حاضر

برمی آید حتی کوشید تا اصطلاحات عروضی را هم پارسی کند؛ اشعاری هم به اوزان جدید

سروده است. آیتی فرد جالبی است که به سبب سابقه اش چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

برخی از آثار او عبارتند از:

۱- کواکب الدرّیه فی مآثر البهائیه در دفاع از بهائیت.

۲- کشف الحیل در سه جلد که علیه بهائیت نوشته است.

۳- مجله نمکدان

۴- خردنامه

۵- تاریخ یزد یا آتشکده (تألیف شده در ۱۳۱۷)

۶- دیوان شعر (فارسی و عربی)

برگرفته از الذریعه، ج ۹، بخش ۱، ص ۱۳ - سخنوران نامی

معاصر، ج ۲، ص ۴۳-۴۰ - تاریخ یزد یا آتشکده یزدان، ص

۲۷۶ - تذکره شعرای معاصر ایران، خلخال، ج ۲، ص ۱۳-۱۲

(۹) دانش (میرزا حسین خان)

ولادت: ۱۲۸۶ وفات: ۱۳۶۲ ه.ق در آنکارا. به ترکی آثاری دارد. (فرهنگ معین)
بدین ترتیب در تاریخ ولادت او شش سال اختلاف است.

(۱۰) غمام

«سید محمد بن سید یوسف شاعر و عارف ایرانی (ولادت: نجف ۱۲۹۲ ه.ق وفات: مهرماه ۱۳۲۱ ه.ش) وی سمت ارشاد گروهی از متصوفه را داشت. دیوان غزلیات او در سه جلد چاپ شده است: غزل‌های غمام عارفانه و به سبک حافظ نزدیک است.»

فرهنگ معین

(۱۱) وثوق

تولد: تهران ربیع‌الاول ۱۲۹۲ ه.ق وفات: بهمن ۱۳۲۹ ه.ش

فرهنگ معین

(۱۲) سمیعی

ولادت: ۱۲۹۳ وفات: ۱۳۷۲ ه.ق / ۱۳۳۲ ه.ش

فرهنگ معین

(۱۳) قریب

تولد: گزکان ۱۲۵۸ [ه.ش] وفات: تهران ۳ فروردین ۱۳۴۴ ه.ش

فرهنگ معین

(۱۴) افسر

در یست و یکم محرم ۱۲۹۷ قمری در سبزوار متولد شد... شب دوشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۱۹ [هجری شمسی] درگذشت.

مقدمه دیوان او ص ح

«ولادت: سبزوار ۱۲۹۷ - وفات: تهران ۱۳۵۹ ه.ق / ۱۳۱۹ ه.ش»

فرهنگ معین

افسر رئیس انجمن ادبی ایران بود، ایرج درباره او گوید:

روح پیدا کند و با توبه گفتار آید
اگر این شعر من از محضر افسر گذرد
دیوان او با مقدمه و شرح حال شاعر به کوشش عبدالرحمن پارسا تویسرکانی در چاپخانه ارمغان
تهران در حدود سال ۱۳۲۱ شمسی چاپ شده است.

(۱۵) علی اکبر خان دهخدا دخو

در سال ۱۲۵۸ شمسی در قزوین به دنیا آمد و روز دوشنبه هفتم اسفندماه سال ۱۳۴۴ شمسی در تهران درگذشت. کتاب‌های مهم او عبارتند از: لغت‌نامه، امثال و حکم، چرند و پرند، دیوان اشعار و غیره.

(۱۶) وحید

مراد وحید دستگردی مصحح خمسة نظامی است.

در سال ۱۲۸۵ شمسی به دنیا آمد و در سال ۱۳۲۱ شمسی درگذشت.

سخنوران نامی معاصر، تألیف برقی

(۱۷) اشتری

نباید با فرزندش علی اشتری متخلص به فرهاد اشتباه شود. علی اشتری فرزند احمد اشتری است که در سال ۱۳۰۱ شمسی متولد و در سال ۱۳۴۲ شمسی درگذشت.

(۱۸) عارف

«در سال ۱۳۰۰ ه. ق. یاکمی پیش از آن در قزوین متولد شد (چایکین خاورشناس روسی تولد عارف را در سال ۱۲۹۵ ه. ق. و محمد هزار، دوست عارف و نویسنده «عارف‌نامه هزار» در حدود سال ۱۲۹۷ ه. ق. می‌داند) شاعر ملی ایران آخرین دقایق عمر حسرتبار و پرتأثر خود را در دره‌های خاموش همدان گذراند و روز یکشنبه اول بهمن ۱۳۱۲ ش در پنجاه و دوسالگی درگذشت و همانجا در بقعه بوعلی سینا به خاک سپرده شد.»

از صبا نانیا، ج ۲، ص ۱۴۶ و ص ۳۵۵

(۱۹) میراز حسین خان بیضایی

معروف به پرتو بیضایی. ظاهراً اسم پدر او محمدعلی است (— تذکره سخنوران روز، دکتر صبور، ابن‌سینا، چاپ دوم، ۱۳۴۴) نه علی محمد. پرتو بیضایی در ۱۲۸۵ ه. ش متولد شد و در ۱۳۴۸ ه. ش درگذشت.

(۲۰) بهمنیار

بهمنیار، استاد معروف دانشگاه. ولادت: ۱۲۶۲ ه. ش فوت: ۱۳۳۴ ه. ش

(۲۱) فروغی

ابوالحسن بن محمد حسین ذکاءالملک (اول) برادر محمدعلی ذکاءالملک (دوم) ادیب و شاعر و حکیم (ولادت: تهران ۱۳۰۱ ه. ق، فوت: ۱۳۳۸ ه. ش) فرهنگ معین

(۲۲) علی محمدخان آزاد

تولد: ۱۳۰۲ هجری قمری، همدان وفات: ۱۳۲۴ شمسی

سخنوران نامی معاصر (برقی)

(۲۳) سالار

در فرهنگ معین ذیل «سالار جنگ» می نویسد: «ناصرالدین کوپال شیرازی پیشکار قوام الملک و شاعر و اهل ادب (وفات: شیراز ۱۳۲۵ ه.ش). قبر وی در حافظیه شیراز است.»

(۲۴) تقی ینش

در ۱۲۶۴ در تهران متولد شد. در سال ۱۲۹۷ شمسی بر اثر مخالفت با قرارداد وثوق الدوله هدف گلوله قرار گرفت. در ۱۳۲۵ شمسی درگذشت.

(۲۵) پورداود

۱۴ اسفند ۱۲۶۴ برابر با ۱۸ جمادی الاولی ۱۳۰۳ و ۶ مارس ۱۸۸۶ در رشت زاده شد. یکشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۴۷ به بخشایش ایزدی پیوست. (بازار ویژه هنر و ادبیات شماره ۳۲، بدون تاریخ). آرامگاه او در رشت است.

(۲۶) بهار

ولادت: ۱۲۶۶ ه.ش / ۱۸۶۶ میلادی

وفات: ۱۳۳۰ ه.ش / ۱۹۵۱ میلادی

فرهنگ معین

(۲۷) نظام وفا

شهرت او در این است که نیما یوشیج منظومه مشهور افسانه را به او تقدیم کرده است. «در سال ۱۲۶۶ شمسی برابر با ۱۳۰۶ قمری در آران کاشان متولد شد و در اواخر سال ۱۳۴۳ درگذشت.»

صدف، ص ۶۲۰

این غزل او از غزلیات مشهور دوران اخیر است:

ای که مایوس از همه سویی به سوی عشق رو کن

قبله دل هاست این جا، هر چه خواهی آرزو کن

تا دلی آتش نگیرد حرف جانسوزی نگوید

حال ما خواهی اگر از گفته ما جستجو کن

زردرویی در میان گلرخان عیب است بر من
 روی زردم را به خون ای دیده گاهی شستشو کن
 چرخ کج رو نیست تو کج بینی ای دور از حقیقت
 گر همه کس را نکو خواهی برو خود را نکو کن
 چون خیال دوست من چیزی نشاط آور ندیدم
 هر زمان فرسوده دل گشتی «نظاما» یاد او کن

حدیث دل (دیوان نظام وفا)، ص ۲۳

در تذکره صدف، ص ۶۲۲ قبل از مقطع این بیت را اضافه دارد که بیت سستی است و شاعر در دیوان خود نیاورده است.

کشت تنهایی مرا ای دوست بر من رحمت آور

مردم از خاموشی ای دل با من آخر گفتگو کن

نظام مرد دل سوخته عاشقی بود و اشعار لطیفی دارد. عمری را به معلمی گذراند. «پس از فراغت از تحصیل هفت ساله در نجف، به ایران بازگشت و در غائله مشروطه در شمار آزادیخواهان در آمد و به آنان پیوست و به جرم آزادی خواهی و سربازی در دوران محمدعلیشاه در باغشاه محبوس شد و به گناه عشق وطن او را به گند و زنجیر کشیدند... پرستار «احمد میرزا» ولیعهد که «احمد آقا» نامیده می شد و با پدر نظام دوستی داشت نزد شاه وساطت کرد و شاه به پاس خدمت وی نظام را از سیاست معاف کرد. اما احمد آقا از نظام خواست که به خاطر این محبت لااقل شعری برای «احمد میرزا» ولیعهد بسازد و به عرض شاه برساند و نظام بدیهه این دوبیتی را ساخت:

شه آن چه دهد ز زهر و از شهد خوش است

بشکستن و باز بستن عهد خوش است

با توپ خراب مسجد ار کرد چه غم

محراب دو ابروی ولی عهد خوش است

به این طریق پس از ساعتی دیگر که شعر مزبور به عرض شاه رسید نظام را آزاد کردند.»

ص ۶۲۳ صدف با حذف

(۲۸) ابوالقاسم لاهوتی

در برخی از مآخذ مثلاً از صبا تا نیما تاریخ تولد او ۱۳۰۵ ه.ق است. لاهوتی از افسران

ژاندارمری بود به شوروی گریخت و در تاجیکستان وزیر فرهنگ شد و هم در آنجا در ۱۳۳۵ ه.ش درگذشت. او نخستین شاعر سوسیالیست زبان فارسی است.

(۲۹) حسین مسرور

ولادت: ۱۳۳۲ ه.ق، وفات: چهارشنبه دهم مهرماه ۱۳۴۷ ه.ش.

(۳۰) حکمت

وفات: شهریور ۱۳۵۹ ه.ش.

(۳۱) شفق

دکتر رضا زاده شفق، استاد دانشگاه تهران

وفات: ۱۳۵۰ ه.ش

(۳۲) فرات

ولادت: ۱۲۷۳ ه.ش، وفات: ۱۳۴۷ ه.ش

(۳۳) افشار

دکتر محمود افشار یزدی، وفات: ۲۸ آذرماه ۱۳۶۲ هجری شمسی

(۳۴) رشید یاسمی

پسر محمدرولی خان گورانی (ولادت: ۱۲۷۵ ه.ش / ۱۸۹۶ م. وفات: ۱۳۳۰ ه.ش / ۱۹۵۱ م.)

فرهنگ معین

(۳۵) فرخ خراسانی

ولادت: ۱۲۷۵ ه.ش، وفات: ۱۳۶۰ ه.ش

(۳۶) فرامرزی

عبدالرحمان فرامرزی، روزنامه‌نگار معروف.

ولادت: ۱۲۷۶ ه.ش، وفات: ۱۳۵۲ ه.ش

(۳۷) از رباعیات مشاع به این معنی که به شاعران بسیاری منسوب است. هم در برخی از کتب قرن هفتم و هشتم آمده و هم به برخی از متأخرین چون دختر نعیمی شاعر حروفی، شاه‌محمد قزوینی، سرمد کاشی منسوب است و هم به نام برخی از معاصران از جمله ملک‌الشعراء بهار معروف شده بود.

(۳۸) ناصح

ولادت: ۱۲۷۷ ه.ش، وفات: ۱۳۶۵ ه.ش

(۳۹) همایی

استاد جلال‌الدین همایی، ولادت: ۱۲۷۸ ه.ش، وفات: ۱۳۵۹ ه.ش

(۴۰) فروزانفر

در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۹ شمسی بر اثر عارضه قلبی در تهران درگذشت.

(۴۱) پژمان بختیاری

ولادت: ۱۲۷۷ ه.ش، وفات: ۱۳۵۵ ه.ش

(۴۲) صورتگر

در سال ۱۲۷۹ شمسی در شیراز متولد شد و در سوم مهر سال ۱۳۴۸ شمسی در تهران درگذشت. جنازه او را بنا به وصیت در آرامگاه حافظ در شیراز به خاک سپردند.

در سال ۱۳۰۶ شمسی از طرف دولت برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات و زبان انگلیسی عازم اروپا گردید و توانست در این رشته به دریافت درجه لیسانس نائل گردد. وی پس از مراجعه از اروپا مدتی در دانشکده ادبیات تهران به تدریس ادبیات و زبان انگلیسی اشتغال داشت تا این که در سال ۱۳۱۶ برای ادامه تحصیلات عالی و اخذ درجه دکترا در این رشته به لندن رفت و تحصیلات خویش را ادامه داد و بالاخره با نگارش پایان‌نامه دکترای خود تحت عنوان «تأثیر ادبیات ایران در ادبیات انگلیس» در قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی به دریافت درجه دکترا از دانشگاه لندن نائل گشت.

صدف، ص ۴۹۸

استادی شوخ و بذله‌گو بود. درباره او لطیفه‌های بسیاری بر سر زبان‌هاست. این شعر او از اشعار معروف ادبیات فارسی است:

«شیراز»

هر باغبان که گل به سوی برزن آورد	شیراز را دوباره به یاد من آورد
آنجا که گر به شاخ گلی آرزوت هست	گلچین به پیشگاه تو یک خرمن آورد
نازم هوای فارس که از اعتدال آن	بادام بن شکوفه مه بهمن آورد
آتش به کار نایدمان روزگار دی	با آتشی که ساقی سیمین تن آورد
نوروز ماه فاخته و عندلیب را	در بوستان نواگر و بریطزن آورد
ابر هزارپاره بگیرد ستیغ کوه	چون لشگری که رو به سوی دشمن آورد
من در کنار باغ کنم ساعتی درنگ	تا دلنواز من خبر از گلشن آورد

آن نرگس و بنفشه که در دامن آورد
چون روز تیره گشت می روشن آورد
خادم دویده او را برگردن آورد
از بامداد تا به گه خفتن آورد
بس نغمه های خوش که به گوش من آورد
زان اندهم زمانه به پاداشن آورد
زی گویو گوئیا خبر از بیژن آورد
صدف، ص ۵۰۱

آید دوان دوان و نهد بر کنار من
ساقی که میر مجلس انس است پیش ما
مطرب طلب کنیم بگویند می زده است
صد گونه میوه پیش من آن باغبان پیر
باد سحر که پیکش نشاط است زان دیار
سردی گریز پایم و دور از دیار خویش
از شهر من هر آن که رساند خبر مرا

دیوان او به اسم «برگ های پراکنده» در سال ۱۳۳۵، سیزده سال پیش از مرگش به چاپ رسید.

(۴۳) فلسفی

نصرالله فلسفی مؤرخ مشهور و استاد دانشگاه
ولادت: ۱۲۸۱ ه.ش، وفات: ۱۳۶۰ ه.ش

(۴۴) محمدامین ادیب

مراد ادیب طوسی، استاد دانشگاه تبریز است.
ولادت: ۱۲۸۳ ه.ش، وفات: ۱۳۶۱ ه.ش

(۴۵) حبیب یغمایی

وفات: ساعت یک بامداد روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۳ هجری شمسی (← آینده، سال
دهم، ص ۲۷۵)

(۴۶) شهریار

ولادت: ۱۲۸۵ ه.ش در تبریز، وفات: ۱۳۶۷ ه.ش. آرامگاه او در مقبرة الشعراى سرخاب
در تبریز است.

۱. از دکتر عبدالوهاب نورانی وصال استاد ادیب دانشگاه پهلوی به یاد دارم که می گفتند این بیت از بهار است. صورتگر وقتی این شعر را در محضر بهار می خواند، بهار به مناسبت خاطره ای از خود از مجلس انسی در یکی از باغ های شیراز، این بیت را به قصیده صورتگر افزود.
- استاد وصال به جای «خادم» «ساقی» می خوانده اند اگر حافظه بنده بعد از این سه چهار سالی که از شنیدن این روایت می گذرد اشتباه نکرده باشد، گویا می فرمودند بهار اول خادم گفته بود و بعداً به ساقی اصلاح کرد.

(۴۷) سرمه

چنان‌که از تذکرهٔ صدف برمی‌آید در سال ۱۲۸۶ شمسی متولد شد و در حدود ۱۳۴۳ درگذشت. فرهنگ معین تاریخ فوت او را ۱۳۳۹ ه.ش نوشته است که ظاهراً غلط است. در باب لزوم تجدد در شاعری با بهار (— دیوان ملک‌الشعرا) مباحثاتی داشته است. از اشعار اوست:

به وفای تو که آموختنی است به ولای تو که اندوختنی است
هر کتابی که در آن نام تو نیست قول هر کس که بود سوختنی است

مسموع از استاد عباس پرویز

(۴۸) آذرخشی

غلامعلی رعدی آذرخشی ولادت: تبریز ۱۲۸۸ ه.ش، وفات: ۱۳۷۸ ه.ش. در تبریز با شهریار هم‌کلاس بود و استاد او اسمعیل امیرخیزی بود که اسمش جزء شاعران در همین کتاب آمده است. حقوق خواند و سپس در ژنو دکتری گرفت. چند سالی رئیس دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه ملی بود. مشهورترین شعر او شعر «نگاه» است که با این بیت آغاز می‌شود:

من ندانم به نگاه تو چه رازی است نهان که مر آن راز توان دیدن و گفتن نتوان
برخی از آثار او: دیوان اشعار، پنج آینه، گفتارهای ادبی و اجتماعی (۱۳۷۰)

(۴۹) دکتر کاسمی

ولادت: ۱۲۸۸ ه.ش، وفات: ؟ (بین ۱۳۷۳ و ۱۳۷۷ ه.ش)

(۵۰) این تقسیمات جغرافیایی دقیق نیست و در بعضی از موارد غلط است. مثلاً رشت را در ذیل عراق عجم آورده است و همدان را در ذیل کاشان، در حالی که رشت هیچگاه جزو عراق عجم محسوب نشده در عوض همدان جزو عراق عجم است.

(۵۱) شوریده

«از قرار معلوم نسبش به اهلی شیرازی صاحب مثنوی معروف سحر حلال می‌پیوندد.»

(ص ۱۸ از صبا تا نیمه، ج ۲)

شوریده کور بود و تذکره‌یی موسوم به «نامهٔ روشندان» در شرح حال شاعران نابینا دارد.

(۵۲) این ترجیح (که ظاهراً اصل آن از براون است) مبتنی بر تحقیق نیست:

«گویند پس از سوزنی سمرقندی که از قدماست تا حال کسی در هجو به ادیب الممالک نرسیده است.»

تاریخ ادبیات ایران، ج چهارم، تألیف براون، ترجمه رشید یاسمی، ص ۲۷۴

(۵۳) ادیب نیشابوری

البته ادیب کاملاً کور نبود. «یک چشم وی به چهار سالگی بر اثر آبله کور شده» (فرهنگ معین). و گویا آن چشم دیگر نیز آسیبی داشته است.
«در چهار سالگی چشم راست و قسمتی از چپ را به بیماری آبله از دست داد».

از صبا تا نیمه، ج دوم، ص ۱۹

(۵۴) تفسیر و شرح جامی

چنین تفسیر و شرحی دیده نشده است. اگر مقصود نورالدین، عبدالرحمن جامی شاعر معروف قرن نهم است (وفات او در سال ۸۹۸ هجری قمری است و وفات اهلی در ۹۴۲ هجری قمری) عکس مطلب صحیح است بدین شرح که اهلی چندین قصیده به استقبال جامی ساخته است (نگاه کنید به مقدمه دیوان اهلی). هر چند جامی در ایران بیشتر به مولانا مشهور است اما به او ملا جامی هم گفته‌اند (مثلاً در تذکره نصرآبادی).

(۵۵) این غزل مشهور از اوست:

چون نور که از مهر جدا هست و جدا نیست	عالم همه آیات خدا هست و خدا نیست
ما پرتو حقیق و نه اوئیم و هم اوئیم	چون نور که از مهر جدا هست و جدا نیست
هر جا نگری جلوه‌گه شاهد غیبی است	او را نتوان گفت کجا هست و کجا نیست
در آیینه بینید اگر صورت خود را	آن صورت آئینه شما هست و شما نیست
این نیستی هست نما را به حقیقت	در دیده ما و تو بقا هست و بقا نیست
جان فلکی را چو رهید از تن خاکی	گویند گروهی که فنا هست و فنا نیست
هر حکم که او خواست براند به سر ما	ما را گر از آن حکم رضا هست و رضا نیست
از جانب ما شکوه و جور از قبل دوست	گر نیک بینیم خطا هست و خطا نیست
کو جرأت گفتن که خطا و کرم او	بر دشمن و بر دوست چرا هست و چرا نیست
بسی مهری و لطف از طرف یار به عبرت	از چیست ندانم که روا هست و روا نیست

(۵۶) دانش

«میرزا حسین خان دانشمند و شاعر ایرانی (ولادت: ۱۲۸۶، وفات: آنکارا ۱۳۶۲ ه.ق). وی در کشور عثمانی (اغلب در استانبول و گاه در آنکارا) اقامت داشت. دانش، تألیفات بسیار دارد که غالب آن‌ها به ترکی عثمانی است از جمله «سرآمدان سخن» در ترجمهٔ احوال ۱۵ تن از شاعران بزرگ ایران از رودکی تا حافظ (ترکی) با منتخبی از اشعار آنان، رباعیات خیام شامل ۳۹۶ رباعی منسوب به خیام با ترجمهٔ آن‌ها به ترکی، ترجمهٔ ۱۵ قصه از لافونتن»

فرہنگ معین

(۵۷) محمد کسمایی

«میرزا محمد کسمایی برادر مرحوم میرزا حسین کسمایی در سنه ۱۲۹۴ هجری قمری در ایالت گیلان متولد شده از سن هفت تا هیژده سالگی به تحصیل زبان فارسی و عربی اشتغال داشت. پس از تکمیل مقدمات در دارالفنون و تحصیل زبان فرانسه و نقاشی از راه مازندران به روسیه رفته و به تحصیل نقاشی و مجسمه‌سازی پرداخت و پس از اخذ تصدیق‌نامه از مدرسه دولتی تفلیس به پترزبورگ (لنین‌گراد حالیه) رفته برای تکمیل نقاشی زحمت کشید و پس از تحصیل دیپلم نقاشی به ایران مراجعت نمود».

سخنوران ایران در عصر حاضر، تألیف اسحاق، ص ۳۵۰

(۵۸) عارف

اشاره نویسنده به اواخر زندگی عارف در دوره رضاشاه است که به همدان تبعید شده بود و در آنجا در فقر و فاقه و تنهایی در ۱۳۱۲ شمسی درگذشت و جنازه اش را در بقعه بوعلی سینا به خاک سپردند.

(۵۹) نعیم (ولادت: ۱۲۷۲ھ ق، وفات: ۱۳۳۴ھ ق)

منظور این است که پیش استاد درس نخوانده بودند نه این که مرد بی سواد بود. در ص ۱۶ و ۱۷ از صبا تا نیما، ج ۲ می خوانیم: «در قریه فروشان از قرای ثلثه سده ماریین اصفهان متولد شد و مقدمات فارسی و عربی را همان جا فراگرفت... به سمت معلم زبان فارسی در سفارت انگلیس منصوب شد... شاعر کوشیده است (در منظومه استدلالیه) تا با استشهاد به آیات و احادیث و اخبار و تمسک به ادیان دیگر حقانیت بهائیگری را ثابت کند».

ظاهراً مراد از استدلالیه این شعر نعیم است:

تو سرّ حقّی و تو کشتی نوح

حد حب تو حد قافیه سنج

تو حق سري و تو يحيي جان

حق عز تو حق خافیه دان

الى آخر

۲. حسن وزن!

که به هفت وزن خوانده می شود:

۱- فعلاتن فعلاتن فعلن

۲- مقاعیلن مقاعیلن فعولن

۳- فعولن فعولن فعولن فعل

۴- مفعول مفعیل فاعلاتن

۵- فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۶- مفتعلن مفتعلن فاعلن

۷- فعلاتن مفاعلن فعلن

(۶۰) افکار جمهوری خواهانه

«در سال ۱۳۴۲ ه. ق. نغمه جمهوری ساز شد. عشقی با این که جوانی روشنفکر و به مزایای جمهوری آگاه و اصولاً طرفدار آن بود، چون از بازی های سیاسی و دسایس پشت پرده خبر داشت با این جمهوری مصنوعی جدا و شدیداً بنای مخالفت گذاشت و از جمله در مقاله یی به عنوان «جمهوری قلابی» این مخالفت را اظهار داشت.

عشقی در ذیقعدة سال ۱۳۴۲ ه. ق. روزنامه کاریکاتوری قرن بیستم را از نو دایر کرد. در شماره اول آن چند کاریکاتور و شعر و مقاله بسیار تند مبنی بر هزل و هجو جمهوری و جمهوری خواهان درج کرد و علناً اظهار داشت که بازی های اخیر تهران به تحریک اجنبی است.»
از صبا تا نیما، ج ۲ ص ۶۳-۶۶۲

(۶۱) حیرت

شیخ الرئيس قاجار - ابوالحسن میرزا متخلص به حیرت

ولادت: تبریز ۱۲۶۴ ه. ق، وفات: ۱۳۳۶ ه. ق

دیوانش در بمبئی به چاپ رسید.

نقل از فرهنگ معین